

تاریخ قرآن

(درسنامه، پژوهشنامه، نظریه پردازی)



موسسه فکری بنی کانون نشر و ترویج زبان قرآن

مؤلف: استاد محمد عزة دروزه

مترجم: محمد علی لسانی فشارکی

**نسخه الکترونیک کتاب جهت مطالعه
در اختیار علاقه‌مندان قرار داده
شده است. جهت تهیه نسخه سخت
کتاب می‌توانید با کانون زبان قرآن
تماس بگیرید.**



تاریخ قرآن (درسنامه، پژوهشنامه، نظریه‌پردازی)

مؤلف: استاد محمد عزة دروزه

مترجم: محمدعلی لسانی فشارکی

ناشر: نشر صدوچهارده
مؤسسه علمی هنری کانون ترویج زبان قرآن

با همکاری فنی مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن

صفحه‌آرایی: محمدصادق حامدی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ و تاریخ: اول (ویراست چهارم)، ۱۴۰۱

تعداد صفحه و قطع: ۱۳۲ ص، رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۶۸-۶-۴

قیمت:

تهران، خیابان آزادی، خیابان خوش شمالی، کوچه شهید عباس زارع، پلاک ۱۸

تلفن سفارش کتاب:

۰۹۹۱-۱۱۴۴۰۱۷ ، ۰۲۱-۶۶۹۳۶۴۸۷

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
مقدمه مترجم	۷
طرح تدوین ابواب و فصول تاریخ قرآن در مجموعه علوم و فنون قرآنی.....	۱۳
فصل اول: دسته‌بندی روایات و نظرات پیرامون جمع و تدوین قرآن	۱۵
۱-۱. روایات دسته اول	۱۶
۱-۲. روایات دسته دوم	۲۲
۱-۳. روایات دسته سوم	۴۰
فصل دوم: بررسی روایات جمع و تدوین قرآن	۵۹
۲-۱. عنایت و اهتمام پیامبر اکرم به امر کتابت قرآن	۶۰
۲-۲. یک غلط مشهور	۶۱
۲-۳. نوشت افزارهای مورد اشاره در قرآن و روایات	۶۴

- ۴-۲. مفاد احادیث دسته سوم..... ۷۱
- ۵-۲. تصحیح یک نسخه خطی..... ۷۸
- ۶-۲. بررسی روایات مخالف با نتیجه‌گیری‌های پیشین..... ۸۰
- فصل سوم: دلایل و شواهد قرآنی..... ۸۹**
- ۱-۳. دسته اول: آیات و سوری که نشان‌دهنده تدوین و ترتیب فوری قرآن هستند..... ۹۰
- ۱-۳-۱. سوره قیامت..... ۹۰
- ۱-۳-۲. سوره طاهّا..... ۹۴
- ۱-۳-۳. سوره شعرا..... ۹۵
- ۱-۳-۴. سوره صاد..... ۹۶
- ۱-۳-۵. سوره‌هایی با آیات مشابه و تفاوت یک کلمه‌ای..... ۹۷
- ۱-۳-۶. سوره نحل..... ۹۷
- ۱-۳-۷. سوره مکی و انواع تعبیرشان از قرآن..... ۹۹
- ۱-۳-۸. سوره فرقان..... ۱۰۰
- ۱-۳-۹. سوره اعمی (عبس)..... ۱۰۱
- ۱-۳-۱۰. سوره حجر..... ۱۰۱
- ۱-۳-۱۱. سوره‌های مکی مشتمل بر یادکرد اهل کتاب و تأکید بر اصالت قرآن .. ۱۰۲
- ۳-۲. دسته دوم: اشارات متعدد سور مکی قرآن به نظم و ترتیب آیات هر سوره در زمان پیغمبر اکرم..... ۱۰۳

- ۱۰۳ ۳-۲-۱. تکرار فراوان کلمه «سوره»
- ۱۰۴ ۳-۲-۲. یکپارچگی موضوعی ۶۵ سوره مکی
- ۱۰۵ ۳-۲-۳. هماهنگی کامل متن گروه‌های مختلف آیات در دیگر سوره‌های مکی مسجّع
یا موزون
- ۱۰۶ ۳-۲-۴. هماهنگی کامل سیاق و فصول سور مکی غیر مسجّع و غیر موزون
- ۱۰۸ ۳-۲-۵. سرآغاز و مطلع خاص سور مکی و استقلال آن
- ۱۰۹ ۳-۳. دسته سوم: شواهد سور مدنی مبنی بر کتابت فوری آیات قرآنی
- ۱۱۲ ۳-۴. دسته چهارم: تعیین جای آیات در دستور پیامبر اکرم
- ۱۲۱ ۳-۵. دسته پنجم: شواهد قرآنی مبنی بر نظم و ترتیب سور در زمان رسول اکرم ...
- ۱۲۵ خاتمه (نتایج بحث)



موسسۃ قومی عربی کانون شتر و بیج زبان قرآن

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ

اصطَفٰی.

تاریخ قرآن، به عنوان رشته‌ای کلان، جامع، علمی، فنی، کاربردی و فراگیر در مجموعه علوم قرآنی، آنچنان که مقتضای تعریف علمی و منطقی آن است و شایسته و بایسته است که بتواند عهده‌دار تبیین و تحلیل تمامی علوم و فنون و تحقیقات و مطالعات مرتبط با پدیداری و شکل‌گیری و پایداری و دوران‌مداری و جهان‌داری قرآن کریم در طول بیش از چهارده قرن و مانایی و جاودانگی قرآن عظیم تا پایان عمر جهان و تا ابدیت زیست و زندگانی انسان باشد، همچنان در مرحله حرف و حدیث و یادمان و گفتمان دانشیان و فرزندان اهل قرآن، چشم انتظار جایگاه درخور و پایگاه مطلوب خویش

مانده است.

به عبارت دیگر، تاریخ قرآن یک رشته محوری و حسّاس و پربرتک و کارآمد در میان مجموعه علوم قرآنی می‌توانسته است باشد و خواهد توانست؛ هرچند به رغم این موضوعیّت و اهمیّت باید گفت هرگز آنچنان که می‌بایست تأسیس نشده است و طبعاً همواره به صورت یک مبحث نه یک رشته مستقل علوم قرآنی با آن مواجه شده‌اند.

از سوی دیگر، «تاریخ قرآن» با قیافه و قدّ و قواره وارداتی آن، با آنکه در جهان اسلام تلقی به قبول شد و قدر دید و بر صدر نشست؛ در همان آوان ورود، رشدش متوقّف گردید، و به رغم آنکه چندین دهه بر روزگارش گذشته است، سنّ و سالش بالا نرفته و از دوران کودکی و نوجوانی همچنان درنیامده و به حدّ بلوغ نرسیده است.

موسوعه‌های بزرگ و دائرةالمعارف‌گونه قدیم و جدید علوم قرآنی، همچون برهان و اتقان و مناهل‌العرفان و دیگر جوامع علوم قرآنی جای گرفته در مقدمه‌های متین و وزین تفاسیر، یا توزیع شده در اثنای مباحث تفسیری، نیز غالباً فاقد مباحثی مستوفی در زمینه تاریخ قرآن‌اند، و عمدتاً به گزارش‌های گزیده‌هایی از روایات و آراء و نظرات پیرامون نزول و کتابت و جمع و تدوین قرآن بسنده کرده‌اند. منابعی نیز که منفرداً و موضوعاً به مباحث تاریخ قرآن پرداخته‌اند، نوعاً از یک الگوی تکراری با رنگ و بوی روائی و تاریخی پیروی

کرده‌اند، و ظاهراً در اندیشه سامان دادن به سامانه‌ای جامع و متین برای پژوهش‌های لازم در حوزه تاریخ قرآن، یا ملّتزم به پیروی از راه و روش‌هایی بنیادین برای پوشش دادن به مطالعات و تحقیقات مورد نیاز در ارتباط با مباحث تعیین‌کننده تاریخ قرآن نبوده‌اند.

کتاب حاضر، برگردان فارسی مباحث تاریخ قرآن - البتّه بدون ذکر این عنوان - از کتاب **القرآن المجید** اثر گرانقدر قرآن‌شناس و ادیب و مورّخ و مفسّر بزرگ معاصر جهان اسلام، استاد محمّد عرّه دروّزه است. این کتاب، به رغم صغر حجم و ظاهر بی‌پیرایه و بی‌ادعایش، درسنامه‌ای از آزمون گذشته و آیینی کارآمد مشتمل بر راهبردها و راهکارهای مبتنی بر اصول و مبانی پژوهش، و طرحی روزآمد برای نظریه‌پردازی در حوزه تاریخ قرآن، و پایه و بنیادی مطمئن برای دستیابی به دانش کلان و جامع و آرمانی تاریخ قرآن است. نخستین بار، مترجم در آغاز اشتغال به تدریس در دانشگاه، در روزهای پایانی و گرم و خشک و خفقان‌آور تابستان ۱۳۵۷، با درک نیاز مبرم به درسنامه‌ای اینچنین که بتواند پاسخگوی پرسش‌های دانشجویان و قرآن‌پژوهان در کلاس‌های درس تاریخ قرآن و محافل قرائت و تفسیر قرآن باشد، ناباورانه به جستجوی قفسه‌به‌قفسه می‌پرداخت، تا اینکه به هدایت الهی بر این اثر میمنت اثر در کتابخانه بزرگ و باز دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دست یافت.

هم‌اینک، مدّت مدیدی است که خوشبختانه کلّ این مجموعه مشتمل بر چهار فصل همراه با ملحقات، جلد یکم از مجلّات دوره کامل التفسیر الحدیث را که تنها تفسیر معتبر و شناخته شده معاصر به ترتیب نزول است، به خود اختصاص داده است؛ امّا، در آن زمان، کتابی خُرد در قطع رُقی با چاپی بس نامطلوب بود و نشانی از حتّی یکبار مراجعه پیشین بر خود نداشت؛ نشانه‌ای که از چرایی نابسامانی مقالات و جزوات و کتاب‌های مطرح و مرجع در مظانّ درس و بحث تاریخ قرآن نشان داشت؛ کُتب و رسائلی که از حیث عناوین و القاب گردن‌فراز و آبرومند می‌نمودند، امّا از جهت ارائه محتوا و مطلب درمانده و تهیدست بودند، و از عهده جوابگویی ساده‌ترین سوّالات برنمی‌آمدند. طبعاً، ترجمه فارسی کتاب بی‌درنگ به دست چاپ و نشر سپرده شد و پس از اندک مدّتی به چاپ دوّم و سوّم رسید. در فواصل کمیابی و نایابی نیز، در پرتو ایجاز و کمی حجم، از طریق تکثیر و زیراکس نشر آن استمرار می‌یافت. مترجم، همسوی و هماهنگ با مؤلّف، به هیچ روی مدّعی و مُنادی جایگزینی این وجیزه موجّز به جای مقالات و رسائل و کتاب‌های مختصر و مفصّل تاریخ قرآن نخواهد بود؛ امّا صادقانه و کمال‌گرایانه، مراجعه به این اثر و مطالعه آن را در کنار دیگر مدارک آموزشی و کمک آموزشی تأکید و توصیه می‌کند.

گفتنی است، این اثر را دست کم، در مقام مقایسه با دیگر آثار قدیم و

جدید در عرصه مطالعات تاریخ قرآن، سه امتیاز است: یکی آنکه پدید آورنده این اثر یک مجاهد فرهیخته مسلمان فلسطینی است که قرآن را در سالیان زجر و حبس و زندان حفظ کرده و از آن پس در مهجر به تألیف این اثر همت گماشته است. وی هرگز زبان بیان و بنان قلمش را به تعصبات فرقه‌ای و مذهبی نیالوده است. بر آیین پژوهش و شیوه نگارش وی، منشی عالمانه و روشی محققانه حاکم است، و این واقعیت در همه آثار وی مشهود است که مؤلف وحدت پایدار اسلامی را تنها راه رهایی و راز تعالی مسلمانان جهان و جهان اسلام، و دستیابی به این آرمان را تنها در پرتو حذف عناوین تفرقه‌آمیز و به دست فراموشی سپردن چالش‌های تفرقه‌انگیز و تمسک همه جانبه به قرآن و سنت و عترت میسر می‌داند. دودیدگر آنکه در این اثر بر خلاف دیگر آثار عرضه شده در عرصه مطالعات تاریخ قرآن، تقلید از آثار دیگران بسیار کم‌رنگ است؛ و سه‌دیگر اینکه مأخذ قرار دادن مؤلف، خود قرآن و متن متواتر آن را - قرائتاً و کتابتاً - در جهت حلّ و فصل بسیاری از مسائل تاریخ قرآن، کاملاً ابتکاری است، و مؤلف با این نوآوری مبنایی و زیربنایی، راهی هموار را در پژوهش و نگارش تاریخ قرآن پیشنهاد کرده و پیش گرفته است که گذشتگان هیچگاه در چنین راهی گام ننهادند، و امید است که آیندگان ناگزیر در همین مسیر به طیّ طریق بپردازند.

بلطف خدا، اثر حاضر، ویراست چهارم کتاب **تاریخ قرآن** است

که با طرحی نو و با تجدیدنظر سرتاسری از سوی مترجم با همکاری نشر صدوچهارده به عنوان چاپ اول از ارائه مجدد کتاب به دنیای مطبوعات راه یافته است. از خداوند متعال برای همه ناشران و توزیع‌کنندگان این اثر پُربرکت، همچنین تمامی کسانی که تاکنون به آنحاء گوناگون در راستای ترویج آراء و نظرات سازنده و برازنده استاد محمد عزة دروزه در حوزه مطالعات تاریخ قرآن کوشیده‌اند، و از این پس نیز، پس از وقفه‌ای چندین ساله، بار دیگر در این راستا خواهند کوشید، پاداش فراوان و جزای خیر درخور عزیزان اهل قرآن، خواستاریم و مشتاقانه هرگونه پیشنهاد و انتقاد را پذیراییم.

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ. رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا
وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا،
رَبَّنَا إِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَآغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا،
إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

تهران - چهارشنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۹ - محمدعلی لسانی فشارکی

quranlsn17@gmail.com

طرح تدوین ابواب و فصول تاریخ قرآن در مجموعه علوم و فنون قرآنی

برگرفته از محتوای اثر عالمانه و محققانه استاد محمد عزة دروزه^۱

* مقدمه: ارائه طرح تدوین مباحث

* فصل اول: دسته‌بندی روایات و نظرات پیرامون جمع و تدوین قرآن

* فصل دوم: بررسی روایات جمع و تدوین قرآن

* فصل سوم: دلایل و شواهد قرآنی ابواب قرآن

* خاتمه: نتایج بحث

۱. یادآوری و پیشنهاد مترجم: هرکار پژوهشی و هر اثر علمی یا ترویجی شایسته و بایسته است که از کاربست این طرح جامع و مانع استفاده کند.



موسسہ قلمی عربی کاؤنٹر سٹوڈیوز زبان قرآن

فصل اوّل

دسته بندی روایات و نظرات پیرامون جمع و تدوین قرآن

موسسه تحقیقاتی قرآنی کانون نشر و ترویج زبان قرآن

درباره جمع و تدوین و ترتیب آیات و سوره‌های قرآن در کتاب‌های علوم قرآنی و کتب حدیث، نظرات و روایات بسیاری وجود دارد که در موارد زیادی با یکدیگر اختلاف دارند و گاهی صددرصد ضد یکدیگرند. این روایات و نظرات را می‌توان در سه مجموعه دسته‌بندی کرد.

۱-۱. روایات دسته اول

نظرات و روایاتی که می‌گویند: هنگام رحلت پیغمبر اکرم هنوز قرآن بصورت یک کتاب کامل درنیامده و تدوین نشده بود و جمع و تدوین قرآن پس از وفات آن حضرت صورت گرفته است. در زمان پیغمبر، آیات قرآن به صورت پراکنده بر روی قطعات چوب درخت خرما و الواح ظریف سنگی و استخوان‌های کتف حیوانات و تخته‌های چرم و... نوشته می‌شده است و به این ترتیب، امکان جمع و تدوین آنها در زمان پیامبر نبوده است و پس از رحلت پیغمبر دست نوشته هر یک یا چند آیه از قرآن نزد فرد یا خانواده‌ای از مسلمانان پراکنده بوده و سند معتبر قرآن تنها سینه قاریان و حافظان قرآن بوده است که قرآن را از بر داشته‌اند.

۱-۱-۱. زهری از زیدبن ثابت روایت کرده است که پیغمبر اسلام از دنیا

رفت و قرآن به هیچ شکلی جمع نشده بود.

سیوطی در کتاب الإِتقان فی علوم القرآن در ذیل این روایت این توضیح را از خطابی نقل می‌کند: علّت اینکه پیامبر اسلام قرآن را بصورت یک کتاب کامل درنیاورده بود، این بود که احتمال می‌داد بعضی از احکام یا آیات قرآن با آیه جدیدی نسخ شود، و چون نزول قرآن با رحلت پیامبر اکرم پایان پذیرفت، خداوند برای انجام وعده راستین خویش که نگهداری قرآن را ضمانت فرموده بود به خلفای راشدین الهام فرمود که برای این کار کمر همت ببندند و جمع و تدوین قرآن به کوشش ابوبکر و با نظر عمر آغاز شد ... اما روایتی که در صحیح مسلم از ابومسلم آمده است که پیغمبر اکرم به اصحاب، فرموده بود که «جز آیات قرآن چیزی ننویسید»^۱ این، با سخنی که گفتیم منافات ندارد. ما می‌گوییم تمامی قرآن در زمان پیامبر نوشته شده بود، اما بصورت یک کتاب کامل درنیامده بود و آیات و سوره‌های قرآن با نظم و ترتیب در کنار هم تدوین نشده بود.

۱-۱-۲. در صحیح بخاری آمده است که زیدبن ثابت گفت: ابوبکر پس از جنگ یمامه مرا احضار کرد. نزد او رفتم، عمر بن خطاب نیز حضور داشت. ابوبکر گفت: عمر نزد من آمده است و می‌گوید: در جنگ یمامه عدّه زیادی از قاریان قرآن شهید شده‌اند و من می‌ترسم که در جنگ‌های آینده نیز بقیّه آنان

۱. م: علمای شیعه / حدیث‌شناسان غالباً این حدیث را تلقی به قبول نکرده‌اند.

شهید شوند و قسمت عمده قرآن از میان برود. نظر من این است که فرمان دهی قرآن را جمع و تدوین کنند. من به عمر گفتم: چگونه کاری را که رسول خدا انجام نداده است انجام دهیم؟ عمر گفت: به خدا قسم کار خوبی است، و بالاخره آنقدر در این باره با من صحبت کرد که خداوند تحمّل این امر را بر من آسان ساخت و با عمر هم عقیده شدم. بعد، ابوبکر به من گفت: تو جوان خردمندی هستی و ما درباره تو هیچ گونه شکی نداریم. تو کاتب وحی پیغمبر خدا بوده‌ای. دست‌نوشته‌های قرآن را جستجو کن و آنها را گرد آور. به خدا قسم اگر مرا فرمان داده بودند که کوهی را از جای برکنم و به نزد آنان بیاورم برایم دشوارتر از این کار نبود که از من خواسته بودند قرآن را جمع کنم. گفتم: چگونه می‌خواهید کاری را که پیغمبر انجام نداده است، انجام دهید؟ گفت: به خدا قسم کار خوبی است، و بالاخره آنقدر با من صحبت کرد تا خداوند همانطور که تحمّل این کار را برای ابوبکر و عمر آسان ساخته بود، بر من نیز آسان ساخت. شروع به جمع قرآن کردم و قرآن را از روی دست‌نوشته‌های روی چوب درخت خرما و الواح ظریف سنگی و محفوظات سینه مردمان گردآوری کردم، تا دو آیه آخر سوره توبه را نزد ابوخریمه انصاری یافتم و نزد دیگری جز او نیافتم. این قطعات قرآن را که من جمع‌آوری کردم نزد ابوبکر و پس از او نزد عمر و پس از وی نزد حفصه به همان حال باقی ماند.

۳-۱-۱. ابن‌شهاب ضمن حدیثی آورده است که وقتی کار گردآوری

قرآن به پایان رسید، ابوبکر گفت: اسمی برایش بگذارید. بعضی گفتند: سفر. بعضی دیگر گفتند: مُصَحَف، که در حبشه به «کتاب» می‌گویند. ابوبکر قرآن را «مصحف» نام نهاد.

مظفّری روایت دیگری نقل کرده است که ابوبکر گفت: اسمش را بگذارید. بعضی گفتند: نامش را «انجیل» بگذاریم، اما مورد پسند واقع نشد. بعضی دیگر گفتند: نامش را سفر بگذاریم، اما مورد پسند واقع نشد. ابن مسعود گفت: من در حبشه کتابی را دیدم که نام آن «مُصَحَف» بود. همین نام را برای قرآن انتخاب کردند. حدیث دیگری با همین عبارت در صحیح بخاری آمده است که می‌گوید: مجموعه قرآن تهیه‌شده در زمان ابوبکر را «صُحُف» نامیدند.

موسسه تحقیقی کانون نشر و ترویج زبان قرآن

مؤلف: اولاً پیشنهاد صحابه پیغمبر که نام قرآن را انجیل بگذارند، بسی جای تردید است. ثانیاً، روایتی که می‌گوید در زمان ابوبکر قرآن را مصحف نامیدند دلالت دارد بر این که این کلمه که بعدها شهرت پیدا کرده و نام مجموعه قرآن شده است، برای اولین بار در زمان ابوبکر به کار برده شده است. ثالثاً، اینکه بعضی گفته‌اند کلمه «مُصَحَف» غیرعربی است به نظر بسیار بعید می‌رسد، زیرا این کلمه هم‌ریشه «صَحِيفه» و «صُحُف» است و کلمه «صُحُف» ۸ بار در قرآن به کار رفته است.

۴-۱-۱. ابوداود حدیث دیگری نقل کرده است که می‌گوید: عمر آگهی داد که هرکس از زبان رسول خدا چیزی از قرآن فرا گرفته و در اختیار دارد، بیاورد. در زمان رسول خدا آیات قرآن را روی صحیفه‌ها و الواح و چوب‌های درخت خرما می‌نوشته‌اند. هرکس قسمتی از قرآن را می‌آورد از او پذیرفته نمی‌شد، مگر آنکه دو شاهد بر قرآن بودن آیاتی که آورده است، داشته باشد.

۵-۱-۱. ابن‌شهاب ضمن حدیث دیگری نقل کرده است که در جنگ یمامه مسلمانان شهدای بسیار دادند. ابوبکر سخت پریشان شد و ترسید که مبادا بخشی از قرآن از میان برود. مردم به ابوبکر روی آوردند و هرچه از قرآن در اختیار داشتند نزد او آوردند و به دستور ابوبکر بر روی ورق نوشته شد. بنابراین، ابوبکر نخستین کسی بود که قرآن را جمع کرد.

موسسه علمی برای کانون نشر و ترویج زبان قرآن

۶-۱-۱. لیث بن سعد روایت کرده است که عمر آیه رجم را آورد، ولی زید نپذیرفت و آن را در قرآن ننوشت. برای اینکه شاهی جز خودش نداشت.
(۸-۲-۱ و ۹-۲-۱)

۷-۱-۱. عماره بن غزیه روایت کرده است که زید بن ثابت گفت: ابوبکر مرا مأمور جمع قرآن گردانید و من آیات قرآن را روی قطعات چرم و چوب خرما نوشتم و پس از وفات ابوبکر در زمان خلافت عمر قرآن را در یک صحیفه نوشتم.

۸-۱-۱. عکرمه روایت کرده است که علی بن ابیطالب پس از بیعت مردم با ابوبکر در خانه نشست. به ابوبکر گفتند: علی بیعت با تو را خوش نداشته است. ابوبکر نزد او فرستاد که آیا بیعت مرا ناپسند می‌داری؟ گفت: نه به خدا سوگند.^۱ گفت: پس به چه سبب در خانه نشسته‌ای؟ گفت: دیدم در کتاب خدا می‌افزایند. با خود عهد کردم که جز برای نماز عبا بر دوش نیفکنم تا قرآن را جمع‌آوری کنم. ابوبکر گفت: درست اندیشیده‌ای!

۹-۱-۱. ابن سیرین روایت کرده است که پس از رحلت پیغمبر، علی (ع) گفت: سوگند یاد کرده‌ام که عبا بر دوش نیفکنم تا قرآن را جمع‌آوری کنم. علی قرآن را جمع کرد و در مصحف وی هم آیات ناسخ نوشته شده بود و هم آیات منسوخ.

موسسه علمی فقهی کانون مشورتی زبان قرآن

۱۰-۱-۱. ابوداود از علی بن ابیطالب روایت می‌کند که گفت: ابوبکر خدا رحمتش کند، از همه کس اجرش درباره قرآن بیشتر است. او نخستین کسی بود که کتاب خدا را گردآوری کرد.^۲

۱۱-۱-۱. ابن اشته در کتاب «المصاحف» حدیثی نقل کرده است که در آن آمده است: نخستین کسی که بعد از وفات پیغمبر مصحف را فراهم آورد، سالم مولی حذیفه بود.

۱. م: علمای شیعه / حدیث‌شناسان غالباً این حدیث را تلقی به قبول نکرده‌اند.

۲. م: علمای شیعه / حدیث‌شناسان غالباً این حدیث را تلقی به قبول نکرده‌اند.

۱۲-۱-۱. سیوطی در کتاب الإیتقان آورده است که ابن‌فارس که از علمای قرآن است گفته است: ترتیب سوره‌ها از جمله قرار دادن سبع طوال پیش از سوره‌های مئین کار صحابه بوده است.

مؤلف: سبع طوال هفت سوره بزرگ ۲ تا ۸ قرآن هستند و مئین سوره‌هایی را گویند که صد یا صد و چند آیه دارند.

۱۳-۱-۱. حاکم می‌گوید: جمع سوّم قرآن عبارت است از مرتّب کردن سوره‌ها و این کار در زمان عثمان انجام پذیرفته است.

۲-۱. روایات دسته دوّم

روایات بسیاری در کتب حدیث موجود است حاکی از اینکه مصحف بعضی صحابه از نظر ترتیب سوره‌ها با ترتیب قرآن فعلی تفاوت داشته است و در مصحف بعضی از آنان بعضی آیات و کلمات زائد بر قرآن فعلی وجود داشته است. بعضی از این روایات به آیاتی اشاره می‌کنند که زمان پیامبر خوانده می‌شده ولی نوشته نمی‌شده‌اند. روایات این مجموعه دوّم هم که مهمترین آنها را ذیلاً می‌خوانید مفادشان این است که وقتی پیغمبر اسلام رحلت فرمود، قرآن هنوز گردآوری و مرتّب نشده و به صورت یک کتاب کامل در نیامده بوده است.

۱-۲-۱. سیوطی به نقل از کتب علمای قرآن و مصاحف روایت کرده است که اَبی بن کعب و عبدالله بن مسعود که هردو از صحابه پیغمبر و عالم قرآن بوده‌اند، هرکدام برای خود مصحفی داشته‌اند و مصحف آن دو از نظر ترتیب سوره‌ها با یکدیگر فرق داشته و ترتیب هیچکدام مطابق ترتیب مصحف عثمانی نبوده است و یکی از این دو مصحف اضافاتی داشته است که آن دیگری نداشته است و این دو مصحف هردو پس از وفات عثمان مدت‌ها در دست مردم بوده و خوانده می‌شده‌اند.

سیوطی ترتیب سوره‌های هر دو مصحف را از کتاب «المصاحف» این‌اشته نقل کرده است. مصحف اَبی دو سوره کوچک اضافه داشته است که یکی از آنها سوره «حَفْدُ» نام داشته و متن آن این است:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ. وَ لَكَ نُصَلِّي وَ نَسْجُدُ. وَ إِلَيْكَ نَسْعِي وَ نَحْفَدُ. نَحْشِي عَذَابَكَ. وَ نَرْجُو رَحْمَتَكَ. إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ».

دومی نامش سوره «خَلْعُ» بوده و متن آن این است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَ نَسْتَغْفِرُكَ. وَ نُشْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَ لَا نَكْفُرُكَ. وَ نَخْلَعُ وَ نَتَرَكُ مَنْ يَفْجُرُكَ».

۱-۲-۲. سیوطی به روایت طبرانی به سند صحیح از ابواسحاق نقل کرده است که امیه بن خالد در خراسان در نماز جماعت دو سوره حَفْد و خَلْع را

خواند. این خبر به چندین سال پس از وفات عثمان مربوط می‌شود.

۳-۲-۱. سیوطی روایت کرده است که در مصحف ابی‌بن‌کعب دو سورهٔ فیل و قریش یکی بوده است و دو سورهٔ ضحی و انشراح در مصحف بعضی دیگر از صحابه یکی بوده‌اند.

۴-۲-۱. دربارهٔ مصحف ابن‌مسعود روایت شده است که سوره‌های فاتحه و مَعُوذَتَیْنِ (فلق و ناس) را نداشته است و روایت شده است که وی مَعُوذَتَیْنِ را از نسخه‌های قرآن پاک می‌کرده است و می‌گفته است اینها جزء کتاب خدا نیستند.

۵-۲-۱. عبدالله بن‌زبیر غافقی روایت کرده است که عبدالملک بن‌مروان به او گفت: من می‌دانم که هیچ‌چیز تو را به محبت ابوتراب (علی بن‌ابیطالب) وادار نکرده است جز آنکه تو یک عرب بیابانی هستی! عبدالله بن‌زبیر گفت: به خدا قسم من قرآن را حفظ کرده بودم پیش از آنکه پدر و مادر تو هم‌بستر شوند. علی بن‌ابیطالب به من دو سوره یاد داده است که او خود از شخص رسول خدا فراگرفته بوده است و نه تو از آن خبر داری و نه پدرت، و آن دو سوره عبارت‌اند از سوره‌های حَفْدٌ و خَلْعٌ. (۱-۲-۱)

۶-۲-۱. بیهقی روایت کرده است که عمر بن‌خطاب بعد از رکوع دست به قنوت برداشت و گفت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و دو سورهٔ حفد و خلع

را خواند.

بیهقی به این روایت استناد کرده است که اینها دو سوره بوده‌اند چون دو بِسْمِ اللّٰهِ دارند.

۷-۲-۱. سیوطی حدیثی از عایشه نقل کرده است به روایت عُرْوَة بن زبیر که در آن آمده است: سورهٔ احزاب در زمان پیغمبر ۲۰۰ آیه بوده است و در زمان عثمان که مصحف‌های رسمی را نوشتند، بیش از اینکه فعلاً در دست است، ننوخته‌اند.

۸-۲-۱. سیوطی از ابی بن کعب روایت کرده است از زبیر بن حبیش پرسیدم: سورهٔ احزاب چند آیه دارد؟ گفت ۷۲ یا ۷۳ آیه. و افزود: سورهٔ احزاب به اندازهٔ سورهٔ بقره بود و ما آیهٔ رجم را در آن می‌خواندیم. گفتیم: آیه رجم کدام است؟ گفت این است:

«إِذَا زَنَى الشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ فَأَرْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (یعنی هرگاه پیرمرد و پیرزنی زنا کنند البتّه آن دو را سنگسار کنید. این کیفر خداوند است و خداوند عزیز و حکیم است).

مترجم: قسمت دوم این آیه (؟) از آیهٔ ۳۸ سورهٔ مائده گرفته شده است که دربارهٔ کیفر دزدی می‌فرماید: (وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ).

۹-۲-۱. سیوطی از امامت بن سهیل نقل کرده است که گفت: رسول خدا آیهٔ رجم را اینطور به ما یاد داد:

«الشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ فَأَرْجُمُوهُمَا أَلْبَتَّةَ بِمَا قَضَىٰ مِنَ اللَّذَّةِ» (یعنی: پیرمرد و پیرزن را البتّه سنگسار کنید به خاطر لذتی که برده‌اند).

۱۰-۲-۱. و نیز حدیثی به روایت مسلم از ابن عباس نقل کرده است که در آن آمده است: عمر بن خطاب در خطبه‌ای خطاب به مردم گفت: می‌ترسم که پس از مدتی مردم بگویند: آیهٔ رجم در کتاب خدا نیست و به جهت ترک یکی از فرائض خداوند گمراه شوند! خداوند محمد را به حق مبعوث فرمود و بر او کتاب فرستاد و از جمله آیات کتاب خدا آیهٔ رجم بود که ما آن را خواندیم و درک کردیم و رسول خدا سنگسار کرد و ما هم به همراهی او سنگسار کردیم. توجه داشته باشید که رجم سزاوار زناکاری است که همسر داشته باشد، اگر شاهد وجود داشته باشد، یا زن، آبستن شده باشد و یا اعتراف کند.

۱۱-۲-۱. از لیث بن سعد روایت شده است که عمر آیهٔ رجم را آورد، ولی زید آن را ننوشت، زیرا غیر از خودش شاهد دیگری نداشت.

۱۲-۲-۱. از حمیده دختر ابواویس نقل شده است که گفت: پدرم در هشتاد سالگی از مصحف عایشه این آیه را برای من خواند:

(إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) ۱.

و به دنبال آن این جمله را اضافه داشت: «وَعَلَى الَّذِينَ يَصَلُّونَ فِي الصُّفُوفِ الْأُولَى» و این موضوع پیش از آن بود که عثمان مصاحف را تغییر دهد.

مترجم: ترجمه آیه با این اضافه چنین می‌شود: ... ای مؤمنان! بر پیامبر درود و سلام بفرستید و نیز بر کسانی که در صف‌های نخستین، نماز می‌گزارند.

۱۳-۲-۱. حاکم از ابی‌بن کعب روایت کرده است که گفت: رسول خدا به من فرمود: خداوند مرا فرمان داده است که برای تو قرآن بخوانم و خواند: «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» تا آخر سوره و از جمله آیاتی که در آن سوره خواند این آیات بود: «لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ سَأَلَ وَادِيًّا مِنْ مَالٍ فَأَعْطِيهِ سَأَلَهُ ثَانِيًا وَإِنْ سَأَلَ ثَانِيًا فَأَعْطِيهِ سَأَلَهُ ثَالِثًا وَ لَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ. وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ. وَإِنَّ ذَاتَ الدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْحَنَفِيَّةُ. غَيْرِ الْيَهُودِيَّةِ وَلَا النَّصْرَانِيَّةِ. وَمَنْ يَفْعَلْ خَيْرًا فَلَنْ يَكْفُرَهُ».

مترجم: نگاهی به احادیث قدسی معلوم می‌گرداند که راوی حدیث قدسی را با سوره بینه قرآن در هم آمیخته است. روایت بعدی نیز همین وضع

۱. سوره احزاب، آیه ۵۶

را دارد.

۱۴-۲-۱. از ابواوquad لیثی روایت شده است هنگامی که به رسول خدا وحی می‌رسید، نزد او می‌رفتیم و او آنچه را بر او وحی شده بود، به ما یاد می‌داد. روزی نزد آن حضرت رفتیم. فرمود: خداوند می‌فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا الْمَالَ لِإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ. وَلَوْ أَنَّ لِابْنِ آدَمَ وَاوْدِيًّا لَأَحَبَّ أَنْ يَكُونَ إِلَيْهِ الثَّانِي. وَلَوْ كَانَ إِلَيْهِ الثَّانِي لَأَحَبَّ أَنْ يَكُونَ الثَّلَاثُ. وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ. وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ.»

۱۵-۲-۱. از عدی بن عدی از عمر روایت شده است که گفت: ما این آیه را می‌خواندیم: «لَا تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ فَإِنَّهُ كُفْرٌ بِكُمْ». بعد رو به زید بن ثابت کرد و گفت: همین طور است؟ گفت: «آری.»

مترجم: این آیه یا نیم آیه دیگر ترجمه‌اش چنین می‌شود: از پدرانتان روی نگردانید که این کفر است.

۱۶-۲-۱. از ابوسفیان کلاعی روایت شده است که مسلمة بن مخلد انصاری روزی به آنان گفت: بگوئید بینم آن دو آیه قرآن که در مصحف نوشته نشده‌اند، کدامند؟ کسی پاسخ نداد. ابوالکنود سعد بن مالک آنجا بود. مسلمة گفت: اینها اینند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَلَّا يُبَشِّرُوا أَنْتُمْ الْمُؤْمِلُونَ. وَالَّذِينَ آوَوْهُمْ وَنَصَرُوهُمْ وَجَادَلُوا عَنْهُمْ

الْقَوْمَ الَّذِينَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أُولَئِكَ لَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

مترجم: با مروری بر آیه ۱۷ سوره سجده و آیات ۷۲ و ۷۴ سوره انفال قرآن معلوم می‌شود که این آیات در حافظه شخص مذکور در هم آمیخته و به این صورت در آمده است. متن آیات چنین است:

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۱.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يِهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يِهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)^۲.

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ

هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ)^۳.

۱۷-۲-۱. از مسعود بن مخرمه روایت شده است که عبدالرحمان بن عوف

از او پرسیده است: مگر در قرآن این آیه را نداشتیم: «جاهدوا كما جاهدتم أول مرة»؟ حالا چطور در قرآن نیست؟ و او جواب داده است: چرا، داشتیم. به

۱. سوره سجده، آیه ۱۷

۲. سوره انفال، آیه ۷۲

۳. سوره انفال، آیه ۷۴

همراه آیات دیگری از قرآن افتاده است.

مترجم: ظاهراً عبارت آیه ۱۳ سوره توبه قرآن به این صورت در ذهن او مانده بوده است.

۱۸-۲-۱. از ابن عمر روایت شده است که: مبدا یکی از شما بگوید: همه قرآن را فرا گرفته‌ام. چه می‌دانید همه قرآن چقدر بوده است؟ قسمت عمده قرآن از دست رفته است. بگویید: آنچه از آیات قرآن آشکار است یاد گرفته‌ام.

۱۹-۲-۱. از ابوموسیٰ اشعری روایت شده است که گفت: ما سوره‌ای را می‌خواندیم که شبیه یکی از سوره‌های مُسَبَّحَات بود ولی آن را از یاد برده‌ایم و من از آن سوره فقط این دو آیه را به خاطر دارم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ. فَتُكْتَبُ لَكُمْ شَهَادَةٌ فِي أَعْنَاقِكُمْ فَتَسْأَلُونَ عَنْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

مترجم: راست گفته است که چنین آیه‌ای در یکی از سوره‌های مُسَبَّحَات وجود دارد. اما بعد، به جای آیه ۳ سوره مذکور، متن آیه ۱۹ سوره زخرف را بدنبال آن می‌افزاید با یک جمله توضیحی.

متن آیات به ترتیب اینچنین است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ).^۱

۱. سوره صف، آیه ۲

كَبِّرَ مُقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ).^۱

(وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَانًا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ

شَهَادَتُهُمْ وَيَسْأَلُونَ).^۲

۲۰-۲-۱. محمدصبیح در کتاب القرآن (ص ۱۶۴) روایتی نقل کرده و مرجع آن را ذکر نکرده و در آن نام سوره «التَّوْرِينَ» آمده است که بعضی خاورشناسان نظر داده‌اند که عثمان آن را از مصحف رسمی حذف کرده است و در مصحف علی بن ابیطالب بوده است.

متن سوره چنین است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِالنُّورِ أَنْزَلْنَاهُ لِيُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يَحْذَرُنَاكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱) نُورَانِ بَعْضُهُمَا مِنْ بَعْضٍ وَأَنَا السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۲) إِنَّ الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فِي آيَاتِ لَهُمْ جَنَاتٍ النَّعِيمِ (۳) وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا آمَنُوا بِنِقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَمَاعَاهِدُوا عَلَيْهِ يُقَذِّفُونَ فِي الْجَحِيمِ (۴) ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَعَصَوْا وَكَيْ الرَّسُولِ أُولَئِكَ يَشْفَعُونَ مِنْ حَمِيمٍ (۵) إِنَّ اللَّهَ الَّذِي نَوَّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِمَا شَاءَ وَاصْطَفَىٰ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّسُلِ وَجَعَلَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶) أُولَئِكَ مِنْ خَلْقِهِ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ

۱. سوره صف، آیه ۳

۲. سوره زخرف، آیه ۱۹

الرَّحِيمِ (۷) فَذَمَّكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ بِرُسُلِهِمْ فَأَخَذْتَهُمْ بِمَكْرَى إِنَّ إِخْدَىٰ شَدِيدُ
 الِيمِ (۸) يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ أِنْذَارِي فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۹) مَثَلُ الَّذِينَ يُؤُفُونَ بِعَهْدِكَ
 إِنِّي جَزَيْتُهُمْ جَنَاتِ النَّعِيمِ (۱۰) وَإِنَّ عَلِيًّا لَمِنَ الْمُتَّقِينَ (۱۱) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ
 وَهَارُونَ بِمَا اسْتَخْلَفَ فَبَغَوْا هَارُونَ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ فَاصْبِرْ فَسَوْفَ يَبْلُغُونَ (۱۲) وَ
 لَقَدْ آتَيْنَاكَ الْحُكْمَ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳) وَجَعَلْنَا لَكَ مِنْهُمْ
 وَصِيًّا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۴) إِنَّ عَلِيًّا قَانِتًا بِاللَّيْلِ سَاجِدًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ
 رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ ظَلَمُوا وَهُمْ يَعْدَابِي يَعْلَمُونَ (۱۵)».

مترجم: این سوره ۱۵ آیه‌ای (!) ساختگی است و تلفیق ناشیانه‌ای از
 آیات چندی از قرآن با عبارات بی‌سر و ته بیش نیست. کمترین دقت در ترجمه
 آن نیز دروغین بودن آن را آشکار می‌سازد:

آیه نمای ۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید به آن دو
 نوری که آن دو را فرو فرستاده است (معلوم نیست چه کسی؟). آن دو، آیات
 مرا بر شما می‌خوانند و از عذاب روز بزرگ شما را برحذر می‌دارند.

آیه نمای ۲. دو نوری که یکی از دیگری است و من شنوای دانایم.

آیه نمای ۳. محققاً کسانی که وفا می‌کنند به پیمان خداوند و رسولش
 در آیات (?)، برای آنان است بهشت‌های پر نعمت.

آیه نمای ۴. و کسانی که کافر شدند پس از آنکه ایمان آوردند به

واسطهٔ شکستن پیمانشان و معاهداتی که با رسول داشتند، پرتاب می‌شوند در دوزخ.

آیه نمای ۵. ستم کردند بر خودشان و سرپیچی کردند از ولی رسول. آنان نوشانیده می‌شوند از آب جوشان جهنم.

آیه نمای ۶. محققاً خداوندی که روشن گردانیده است آسمان‌ها و زمین را با آنچه خواسته است و برگزیده است از فرشتگان و رسولان و قرارداده است (؟) از مؤمنان.

آیه نمای ۷. آنان از آفریدگان او هستند. خداوند هرکاری بخواهد می‌کند. نیست خدایی جز او که رحمان و رحیم است.

آیه نمای ۸. کسانی که قبل از آنان بودند مکر کردند به رسولشان پس من گرفتم آنان را به مکر خودم. محققاً گرفتن من سخت است و دردناک.

آیه نمای ۹. هان ای رسول! تبلیغ کن انذار مرا پس خواهند دانست.

آیه نمای ۱۰. امثل کسانی که وفا می‌کنند به عهد تو، محققاً من پاداششان دادم بهشت‌های پر نعمت.

آیه نمای ۱۱. و محققاً علی هرآینه از پرهیزکاران است.

آیه نمای ۱۲. و بدرستی که فرستادیم موسی و هارون را به آنچه هارون جانشین موسی گردید (؟) پس هارون را ستم کردند پس صبر جمیل

باید. صبر کن پس آزموده خواهند شد.

آیه نمای ۱۳. و بدرستی که دادیم به تو حکم را همانند کسانی که پیش از تو بودند از فرستادگان.

آیه نمای ۱۴. و قرار دادیم برای تو از آنان (از پیامبران گذشته یا کسان دیگر، معلوم نیست) جانشینی تا آنان باز گردند.

آیه نمای ۱۵. محققاً علی شبانگاه در حال قنوت است و سجود، و از آخرت می‌ترسد و امیدوار است به رحمت پروردگارش. بگو آیا مساوی هستند کسانی که ظلم کردند و آنان به عذاب من علم دارند؟ (با چه کسانی مساوی‌اند یا مساوی نیستند؟ معلوم نیست).

۲۱-۲-۱. در کتاب مَوْطَأُ امام مالک از ابویونس مولی عایشه روایت شده است که گفت: عایشه به من دستور داد برایش مصحفی بنویسم و به من سفارش کرد که وقتی به این آیه رسیدی: (حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى...) مرا خبر کن. مشغول نوشتن شدم و وقتی به این آیه رسیدم به او خبر دادم. برای من این جمله را املا کرد تا بدنبال آن بنویسم: «و صَلَاةِ الْعَصْرِ» بعد گفت: این جمله را از رسول خدا شنیدم.

در همین کتاب، حدیث دیگری از عمر بن رافع آمده است که عبارتش عیناً عبارت همین روایت است، ولی به جای عایشه نام حفصه در آن ذکر

شده است.

مترجم: عبارت «وَصَلَاةِ الْعَصْرِ» تفسیر مشهور «الصَّلَاةِ الْوُسْطَى»

است و یقیناً جزء متن نبوده است.

۲۲-۲-۱. از ابن عباس روایت شده است که آیه ۷۹ سوره کهف را

با یک کلمه اضافه این طور می خوانده است: «...وَ كَانَ وِرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ

كُلَّ سَفِيئَةٍ (صَالِحَةٍ) غَضَبًا» و آیه ۱۹۸ سوره بقره را با یک جمله اضافه با این

ترتیب می خوانده است: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ (فِي

الْمَوَاسِمِ)...».

مترجم: این دو کلمه اضافی هم توضیحی و تفسیری هستند و خود

به خود واضح اند و نیازی به ذکر آنها نیست.

۲۳-۲-۱. از ابن زبیر روایت شده است که آیه ۱۰۴ سوره آل عمران

را با یک جمله اضافه این طور می خوانده است: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ

إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (وَ يَسْتَعِينُونَ بِاللَّهِ عَلَى

مَا أَصَابَهُمْ)...».

۲۴-۲-۱. از عبدالله بن مسعود روایت شده است که آیه ۵۰ سوره

آل عمران را با یک جمله اضافه این طور می خوانده است: «وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ

رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ (مِنْ أَجْلِ مَا جِئْتُكُمْ بِهِ) وَ أَطِيعُوا» و آیه ۲۴ سوره نساء را با یک

جمله اضافه این طور می خوانده است: «...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ (إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى) فَاتَّوَهُنَّ أُجُورَهُنَّ...». و آیه ۶ سوره احزاب را با یک جمله اضافه این طور می خوانده است: «التَّبِیْ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ (وَ هُوَ أَبٌ لَهُمْ)...» و آیه ۷ سوره مجادله را با یک جمله اضافه این طور می خوانده است: «...مَا یَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ (إِذَا أَخَذُوا بِالْتَّنَاجِ)...».

۲۵-۲-۱. روایات متعددی حاکی از این هستند که بعضی از صحابه به جای برخی کلمات قرآن کلمه دیگری می خوانده اند، مانند: اَیْمَانَهُمَا به جای اَیْدِیَهُمَا در آیه ۳۸ سوره مائده. نَسَمَةٌ عَنْ نَسَمَةٍ به جای نَفْسٍ عَنْ نَفْسٍ در آیات ۴۸ و ۱۲۳ سوره بقره. صَفْرَاءٌ به جای بَیضَاءٌ در آیه ۴۶ سوره صافات. إِدْرَاسٌ به جای اَلْیَاسِ و إِدْرَاسِیْنَ به جای اَلْیَاسِیْنَ در آیات ۱۲۳ و ۱۳۰ سوره صافات. سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ به جای سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ در آیه ۱۹ سوره قاف. صِرَاطًا مَنْ بَیْ جَای صِرَاطَ الَّذِیْنَ در آیه ۷ سوره فاتحه. الْحَيِّ الْقِيَامُ به جَای الْحَيِّ الْقِيَوْمُ در آیه ۲ سوره آل عمران. یَقْسِمُونَ به جَای یُؤْلُونَ در آیه ۲۲۶ سوره بقره. نَمَلَةً به جَای دَرَّةٌ در آیه ۴۰ سوره نساء. وَازْکَعِی وَاسْجُدِی مَعَ السَّاجِدِیْنَ به جَای وَاسْجُدِی وَازْکَعِی مَعَ الرَّاکِعِیْنَ در آیه ۴۳ سوره آل عمران. وَخَیْرَ الزَّادِ به جَای فَاِنَّ خَیْرَ الرِّادِ در آیه ۱۹۷ سوره بقره. اِلَیَّ النَّبِیِّتِ به جَای لِیَّهِ در آیه ۱۹۶ سوره بقره. فِی بَعْضِ الْأَمْرِ به جَای فِی الْأَمْرِ در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران و ...

مترجم: با مقایسه این کلمات جایگزین با متن آیات قرآن این سؤال پیش می‌آید که این اصحاب پیغمبر که این چنین کج سلیقه و بی‌اطلاع از فصاحت و بلاغت و ادب عرب بوده‌اند، چه کسانی بوده‌اند؟

مؤلف: احادیث مربوط به نگارش مصاحف رسمی در زمان خلافت عثمان نیز قاعده‌تاً باید در همین مجموعه بیاید، زیرا محصل این روایات هم اینست که مسلمانان در قرائت قرآن اختلاف پیدا کرده بودند و عثمان و دیگر بزرگان صحابه از این اختلافات نگران شدند و اشاره دارند به این که تا زمان عثمان هنوز قرآن به صورت کامل نوشته نشده بوده است تا جایی برای آن اختلافات نباشد.

۲۶-۲-۱. بخاری حدیثی از انس بن مالک روایت کرده است که گفت: حذیفه بن یمان وقتی از فتح ارمنستان و آذربایجان بازگشت، نزد عثمان شتافت و نگرانی خود را از اختلافاتی که در قرائت قرآن در شام مشاهده کرده بود برای او بیان کرد و به عثمان گفت: امت را دریا بپیش از آن که مانند یهود و نصاری با یکدیگر اختلاف پیدا کنند. عثمان نزد حفصه فرستاد که صحف را نزد ما بفرست که از روی آن چند مصحف بنویسیم و به تو بازگردانیم. حفصه آن صحف را نزد عثمان فرستاد. عثمان زید بن ثابت و عبدالله بن زبیر و سعید بن عاص و عبدالرحمن بن حارث را دستور داد که چند نسخه از روی آن بنویسند

و عثمان به آن سه نفر که از قبیله قریش بودند، گفت: اگر در مورد نوشتن کلمه‌ای با زید بن ثابت اختلاف پیدا کردید آن را مطابق لهجه قریش بنویسید که قرآن به زبان قریش نازل شده است. همین کار را کردند و وقتی مصحف‌ها آماده شدند عثمان صحف را به حفصه بازگردانید و به هر استان یکی از آن مصحف‌ها را فرستاد و دستور داد که به جز آن چند مصحف رسمی هر صحیفه یا مصحفی که آیات قرآنی را در آن نوشته بیابند، بسوزانند.

۲۷-۲-۱. ابن هشام می‌گوید: خارجه بن زید به من گفت که از زید بن ثابت شنید که گفت: در اثنای نگارش مصحف، آیه‌ای از سوره احزاب را که از رسول خدا شنیده بودیم که می‌خواند، گم کردیم. جستجو کردیم و آن آیه را نزد خزیمه بن ثابت انصاری پیدا کردیم و سر جای خودش در مصحف نوشتیم و آیه این بود:

(مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ
وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا)^۱

۲۸-۲-۱. حدیث دیگری نیز از انس بن مالک روایت شده که در آن آمده است: مردم در زمان عثمان بر سر قرائت قرآن با یکدیگر اختلاف کردند و کار به جایی کشید که شاگردان و معلمان قرآن با یکدیگر به زد و خورد

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳

پرداختند. خبر به عثمان رسید. گفت: شما که به ما نزدیک هستید این چنین قرآن را غلط می‌خوانید و بر خدا دروغ می‌بندید، پس آنان که از ما دورند قطعاً بیشتر با یکدیگر اختلاف دارند. ای یاران محمد! گرد هم آیید و برای مردم یک مصحف نمونه‌ای بنویسید. اصحاب پیغمبر جمع شدند و مصحف امام را نوشتند و هر گاه بر سرکلمه‌ای اختلاف پیدا می‌کردند می‌گفتند: این آیه را رسول خدا به فلان کس یاد داده است، و اگر آن شخص در سه فرسخی مدینه زندگی می‌کرد نزد او می‌فرستادند و از او می‌پرسیدند: رسول خدا این آیه را به تو چگونه یاد داده است؟ پاسخ می‌داد و بر مبنای پاسخ او آن کلمه مورد اختلاف را می‌نوشتند.

۲۹-۲-۱. ابوداود حدیثی را به سند صحیح از سوید بن غفلة نقل کرده است که گفت: علی به من گفت: درباره عثمان جز سخن نیک نگوئید. به خدا قسم کاری که درباره مصاحف انجام داد در حضور همه ما انجام داد. عثمان به ما گفت: درباره قرائت قرآن چه می‌گویید؟ به من خبر رسیده است که بعضی از مردم می‌گویند: قرائت من بهتر از قرائت توست! و این با کفر چندان فاصله‌ای ندارد. گفتیم نظر تو چیست؟ گفت: نظر من اینست که همه مردم را بر یک مصحف، متحد گردانیم تا تفرقه و اختلاف از میان برخیزد. گفتیم: نظر درستی است.

۳۰-۲-۱. ابوداود حدیثی روایت کرده است که در آن آمده است:

هنگامی که عثمان خواست مصاحف امام را بنویسد دوازده نفر را از قریش و انصار احضار کرد و سپس فرستاد تا بسته‌ای را که در خانه عمر بود آوردند و

۳-۱. روایات دسته سوم

در کنار احادیث و نظرات و عباراتی که از نظر گذرانندیم، احادیث دسته سومی نیز دیده می‌شوند که مفادشان آنست که قرآن در زمان پیغمبر تدوین شده و به صورت کتاب کامل در آمده و آیات و سوره‌های قرآن زیر نظر پیغمبر و با دستور مستقیم آن حضرت مرتب می‌شده است و ترتیب مصحف عثمانی نیز که هنوز به همان شکل در دست ما است عیناً همان ترتیب قرآن تدوین شده در زمان پیغمبر اکرم است:

سوره‌های قرآن کاتبان تدوین قرآن

۳-۱-۱. حاکم در حدیثی به سند صحیح از زید بن ثابت روایت کرده است که گفت: ما نزد رسول خدا اوراق قرآن را تألیف می‌کردیم. بی‌هقی - بنا به نقل سیوطی در إتقان - در توضیح این حدیث می‌گوید: ظاهراً مراد از این سخن زید آنست که می‌خواهد بگوید آیاتی را که جدا جدا نازل می‌شده‌اند زیر نظر پیغمبرکنار هم می‌گذارده و سوره‌های قرآن را تدوین می‌کرده‌اند.

مؤلف: از این حدیث می‌توان استفاده کرد که هر قسمت از قرآن که

به پیغمبر وحی می‌شده است روی اوراق جداگانه نوشته می‌شده است و بعد، آن اوراق پراکنده را به صحیفه‌های به هم دوخته‌ای که برای این کار آماده کرده بوده‌اند منتقل می‌کرده‌اند و قسمت‌های مختلف قرآن را زیر نظر پیغمبر اکرم به هم متصل می‌کرده‌اند.

۲-۳-۱. امام احمد و ابوداود و ترمذی و نسائی و ابن حبان و حاکم در حدیثی نقل کرده‌اند که ابن عباس گفت: به عثمان گفتم: به چه دلیل سوره انفال را که از مثنای است و سوره براءت را که از مئین است کنار هم قرارداده‌اید و میانشان بسم الله نوشته‌اید و در ردیف سبع طوال قرارداده‌اید؟ عثمان گفت: وقتی که چند آیه از یکی از سوره‌های طولانی بر پیغمبر نازل می‌شد برخی از کاتبان وحی را فرا می‌خواند و می‌فرمود این آیه را در سوره‌ای که فلان موضوع در آن مذکور است قرار دهید. سوره انفال از نخستین آیاتی بود که در مدینه نازل شد و سوره براءت از آخرین آیاتی بود که نازل شد و موضوعات این دو سوره با هم شباهت داشتند. من به گمانم رسید که این دو سوره باید با هم یکی باشند. رسول خدا هم رحلت فرمود و در این مورد چیزی نفرمود. از این جهت من این دو سوره را کنار هم قرار دادم و میانشان بسم الله نوشتم و به اعتبار مجموع تعداد آیاتشان در ردیف سبع طوال جایشان دادم.

مؤلف: این حدیث می‌رساند که سوره انفال در زمان پیغمبر پیش از

سوره برائت نوشته می شده است و بسم الله میان آن دو نبوده است و به همان حال در مصحف عثمانی نگاشته شده است و ترتیب فعلی قرآن همان ترتیب زمان رسول خداست.

۳-۳-۱. امام مسلم حدیثی از عمر آورده است که گفت: درباره هیچ چیز از پیغمبر اکرم به اندازه «کَلَالَةَ» سؤال نکردم. آنقدر اصرار کردم تا پیغمبر اکرم با انگشت به سینه من زد و فرمود: آیه آخر سوره نساء برایت بس است.

مؤلف: این حدیث می‌رساند که سوره نساء به همین ترتیب امروزی قرآن در زمان پیغمبر اسلام تدوین شده بوده است. دیگر این که اگر این آیه به دستور پیغمبر در آخر سوره گذاشته نشده بود، قاعدتاً باید آن را در جای به ظاهر مناسب‌تری از این سوره قرار می‌دادند.

۴-۳-۱. امام بخاری در حدیثی از عبیدالله بن زبیر روایت کرده است که به عثمان گفتم: آیه (وَالَّذِينَ يَتَوْفُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا...) را آیه دیگری نسخ کرده است. می‌گویی آیه منسوخ را ننویسیم یا به حال خود واگذاریم؟ گفت: برادرزاده، من هیچ چیز را جابه‌جا نمی‌کنم!

مؤلف: با توجه به اینکه دو آیه ناسخ و منسوخ که در این روایت به آن دو اشاره شده است هردو در سوره بقره‌اند و آیه ناسخ (آیه ۲۳۴) پیش از آیه منسوخ (۲۴۰) قرار گرفته است، این جواب صریح عثمان گواه آنست که

ترتیب آیات زیر نظر پیغمبر اکرم انجام گرفته و عثمان روا نمی‌دانسته است که آیه‌ای را جابه‌جا کند.

۵-۳-۱. امام احمد در حدیثی به سند حسن از عثمان بن ابی‌العاص نقل می‌کند که گفت: نزد رسول خدا نشسته بودم. یک چند دقیقه چشمانش به بالا خیره ماند و سپس به خود آمد و فرمود: جبرئیل نزد من آمد و مرا دستور داد که این آیه را در این موضع از این سوره قرار دهم:

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...).

مؤلف: از این حدیث استفاده می‌شود که پیغمبر اکرم از طریق وحی ترتیب آیات و سوره‌های قرآن را هم معین می‌فرموده است و همان ترتیب آسمانی قرآن نیز عیناً به دست ما رسیده است.

مؤلف: بخاری از زید بن ثابت روایت کرده است که رسول خدا بر من این آیه قرآن را املا می‌کرد: (لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...) ابن ام مکتوم که نابینا بود وارد شد و گفت: یا رسول الله، من اگر می‌توانستم جهاد کنم می‌کردم! در همان حال که وی در کنار رسول خدا نشسته بود و پای آن حضرت روی پای او بود حالت وحی به آن حضرت دست داد و پایش آن چنان سنگین شد که نزدیک بود پای او را بشکند. بعد به خود آمد و فرمود: اضافه کن: (غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ).

مؤلف: این حدیث بازگوکننده این حقیقت است که وقتی بر پیغمبر اکرم وحی نازل می‌شده است فوراً یکی از کاتبان وحی را وا می‌داشته است که آیات وحی شده را بنویسد.

۶-۳-۱. بخاری در حدیث دیگری روایت کرده است که براء گفت: وقتی آیه (لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ...) نازل شد، پیامبر فرمود: زید را فراخوانید! زید با دوات و لوح یا استخوان کتف شتری آمد. پیغمبر فرمود بنویس: (لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...) بعد که وقت عزیمت به جهاد شد، پیغمبر ابن ام مکتوم را که نابینا بود به جای گذارد و برای جهاد همراه خویش نبرد. عرض کرد: یا رسول الله، من نابینا هستم! جمله (غَيْرِ أُولَى الصَّرْرِ) نازل شد و آیه را کامل کرد.

موسسه علمی پژوهشی کانون نشر و ترویج زبان قرآن

۷-۳-۱. حدیث زید بن ثابت درباره جمع قرآن در زمان ابوبکر (۱-۲) مفهوم دیگرش این است که ترتیب آیات سوره‌های دیگر قرآن در زمان حیات پیغمبر معلوم و مشخص بوده است، چون در آن روایت سخن از دو آیه سوره براءت است که دست‌نوشته آن نزد ابوخریمه انصاری پیدا شد و سر جای خودش قرار داده شد و امروز هم در همان موضع قرار دارد.

۸-۳-۱. حدیث بخاری درباره نگارش مصاحف در زمان عثمان (۲۷-۲) نیز می‌رساند که آیه ۲۳ سوره احزاب را وقتی نزد خزیمه بن ثابت انصاری

پیدا کردند آن را در همان موضعی که در زمان پیغمبر اکرم قرار داشت گذاشتند و امروز هم در همان موضع قرار دارد.

۹-۳-۱. بخاری از ابن عباس نقل کرده است، آخرین آیه‌ای که بر پیغمبر نازل شد آیهٔ ربا بود. (آیهٔ ۷۸، سورهٔ بقره).

نسائی از ابن عباس روایت کرده است که آخرین آیه‌ای که از قرآن نازل شد این آیه بود: **(وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...)** (آیه ۲۸۱، سوره بقره).

ابن شهاب از سعید بن مسیب روایت کرده است که آیهٔ دَينُ (بزرگترین آیه قرآن: آیه ۲۸۲، سورهٔ بقره) آخرین آیه‌ای بود که از عرش الهی فرود آمد. این سه روایت در عین اختلافی که با یکدیگر دارند، در یک چیز مشترکند و آن این است که در هر سه روایت سخن از آیه‌ای از سوره بقره است و نشان می‌دهد که پیغمبر اسلام شخصاً در کار ترتیب آیات و سوره‌های قرآن نظارت می‌فرموده است.

مترجم: زیرا وقتی آخرین آیه قرآن نازل شده است همه می‌دانسته‌اند که این آیه باید در سوره بقره قرار گیرد و همچنین می‌دانسته‌اند محل دقیق آن در سورهٔ طولانی بقره کجاست، و نیز می‌دانسته‌اند که آخرین آیه از قرآن است بنابراین، معلوم می‌شود که در هنگام نزول آخرین آیه قرآن، سوره بقره

بنا بر تنظیم پیغمبر اکرم بفرمان خداوند یک آیه نازل نشده بیشتر نداشته است، و سوره‌های دیگر قرآن نیز به طریق اولی مرتب شده و تدوین یافته بوده‌اند.

۱۰-۳-۱. در کتاب التبیان طوسی آمده است که ابی بن کعب و سعید بن جبیر و حسن بن قتاده روایت کرده‌اند که دو آیه آخر سوره توبه آخرین آیاتی از قرآن هستند که نازل شده‌اند.

مؤلف: این روایت می‌رساند که ترتیب آیات سوره‌ها در زمان پیغمبر معروف بوده و به دستور پیغمبر انجام می‌گرفته است.

۱۱-۳-۱. علی بن ابراهیم از ابوبکر خضرمی از ابو عبدالله جعفر بن محمد؛ (امام جعفر صادق) روایت کرده است که رسول خدا به علی فرمود: یا علی، دست‌نوشته‌های قرآن در صحیفه و قرطاس و حریر پشت فراش من است. آنها را فراهم آورید و نگذارید از میان بروند، چنانکه یهودیان تورات را از میان بردند. علی آن قطعات قرآن را در یک پارچه زرد پیچید و سر بقچه را مهر کرد.

مؤلف: این روایت می‌رساند که قرآن روی نوشت افزار معروف آن زمان نوشته می‌شده است و در زمان پیغمبر به صورت کامل مدون شده بوده است و پیغمبر در حفظ آن در خانه خود می‌کوشیده است.

۱۲-۳-۱. علمای حدیث این روایت را در بیشتر کتابهای مشهور حدیث نقل کرده‌اند که پیغمبر اکرم می‌فرمود: «جز قرآن چیزی ننویسید» مفهوم این سخن پیغمبر آنست که صحابه آیات قرآن را که بر پیغمبر نازل می‌شده است، می‌نوشته‌اند.

۱۳-۳-۱. ابوداود روایت کرده است که عمر اعلام کرد: هر کس نزد رسول خدا چیزی از قرآن فرا گرفته و در اختیار دارد بیاورد. و در زمان رسول خدا صحابه آیات قرآن را بر روی صحیفه‌ها و الواح و چوب خرما می‌نوشته‌اند. **مؤلف:** این حدیث می‌رساند که قرآن را در زمان پیغمبر روی صحیفه هم می‌نوشته‌اند که قطعاً نوعی نوشت افزار معمولی بوده است.

۱۴-۳-۱. وائله از پیغمبر روایت کرده است که فرمود: خداوند به جای تورات، سَبْعَ طَوَالٍ به من داده است و به جای زبور، مِئین و به جای انجیل، مِثانی، و مُفَصَّلٍ اضافه به من داده شده است.

مؤلف: ترتیب فعلی سوره‌های قرآن هم عیناً به همین ترتیب مذکور در این حدیث است.

مترجم: یعنی هفت سوره طولانی بعد از سوره فاتحه و سوره‌های صد یا صد و چند آیه‌ای پس از آنها و سوره‌های کمتر از صد آیه‌ای به دنبال آنها و سوره‌های کوچک و کوچکتر در آخر قرار گرفته‌اند.

۱۵-۳-۱. بخاری از ابن مسعود روایت کرده است که پیامبر فرمود:
سوره‌های بنی‌اسرائیل و کهف و مریم و طاه و انبیا... تا آخر روایت.
مؤلف: این سوره‌ها با همین ترتیبی که در این حدیث آمده‌اند در قرآن
فعلی پشت سر هم قرار دارند.

۱۶-۳-۱. امام احمد و ابوداود از ابی اوس که با گروهی به دیدار
پیغمبر در مدینه آمده بود روایت کرده است که گفت: رسول خدا فرمود: یک
حزب از قرآن برای من خوانده می‌شد، خواستم بیرون نیام تا تمام شود. از
اصحاب پرسیدیم: چگونه قرآن را حزب‌بندی می‌کنید؟ گفتند: ۳ سوره و ۵
سوره و ۷ سوره و ۹ سوره و ۱۱ سوره و ۱۳ سوره و حزب مفصل (حزب هفتم)
از سوره قاف است تا آخر قرآن.

مؤلف: در قرآن موجود فعلی که به «مصحف عثمانی» معروف است
سوره حجرات (قبل از سوره قاف) سوره چهل و نهم است و مجموع تعداد
سوره‌ها که در حدیث نیز آمده است (۱۳ + ۱۱ + ۹ + ۷ + ۵ + ۳) به اضافه
سوره فاتحة الكتاب که داخل در حزب‌بندی مذکور در روایت نیست ۴۹ سوره
است. بنابراین، می‌توان اطمینان حاصل کرد که قرآن تدوین شده در زمان
پیغمبر اکرم عیناً به همین شکل و ترتیب قرآن موجود در دست ما بوده است.
مترجم: سوره فاتحة الكتاب که سرآغاز و دیباچه و فهرست و خلاصه

و چکیده قرآن و به تعبیری «امّ‌الکتاب» است و هم اکنون در قرآنی که در دست ماست، در آغاز آن قرار دارد. از زمان پیغمبر اکرم نیز به همین نام نامیده می‌شده است. بنابراین، از وقتی که این سوره نازل شده است قرار بوده است که به هنگام تدوین سوره‌های قرآن این سوره با آنکه یکی از سوره‌های کوچک قرآن است و قاعدتاً باید در اواخر قرآن قرار می‌گرفت در آغاز قرآن قرار گیرد. به همین جهات در حزب‌بندی مذکور در این روایت داخل نشده است. با این بررسی معلوم می‌شود که مبنای این دسته‌بندی سوره‌های قرآن که به نظر می‌رسد با تعلیم پیغمبر اکرم بوده باشد، اعداد فرد متوالی بوده است: ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵ که عدد ۱۵ را در این رابطه می‌توان دید:

$$۱۵ = ۵۰ - ۶۵$$

سوره‌های قرآن کانون شریعت و بیان قرآن

توضیح اینکه: حزب مفصل که طبق این دسته‌بندی، آخرین حزب قرآن است مشتمل بر ۶۵ سوره می‌شود که با تفریق عدد سوره قاف (۵۰) که نخستین سوره در این حزب است از تعداد سوره‌های آن عدد ۱۵ بدست می‌آید، نکته جالب توجه دیگر در این گونه حزب بندی قرآن، اینست که قرآن با این ترتیب به یک مقدمه و هفت حزب تقسیم می‌شود. و شاید، توجه بیشتر به این تقسیم بندی و دسته‌بندی سوره‌های قرآن بتواند راهگشای تحقیق در چگونگی ارتباط مطالب و مفاهیم سوره‌های قرآن که در تفسیر اصیل قرآن

فوق العاده به کار می‌آید، باشد.

۱۷-۳-۱. حذیفه از پیغمبر روایت کرده است که آن حضرت سوره‌های

بقره و آل عمران و نساء را یکی پس از دیگری خواند.

مؤلف: این روایت می‌رساند که این سه سوره را خود پیغمبر هم به

همین ترتیب که به دست ما رسیده است تعلیم می‌فرموده است.

۱۸-۳-۱. بخاری از فاطمه (س) روایت کرده است که پیغمبر محرمانه

به او فرمود: جبرئیل هر سال قرآن را برای من یک بار مرور می‌کرد و امسال

دو بار قرآن را برای من باز خواند و من این موضوع را نشانه فرا رسیدن اجلم

می‌بینم.

و نیز از ابوهیریه نقل کرده است که قرآن سالی یک بار بر پیغمبر

عرضه می‌شد و در سال آخر عمر آن حضرت دو بار بر او خوانده شد.

بغوی در «شرح السنّة» گفته است که زید بن ثابت آخرین بار که قرآن

بر پیغمبر خوانده شد نزد آن حضرت بود و این بار آیات منسوخه و آیاتی که

باید باقی بمانند مشخص شدند و زید قرآن را برای رسول خدا نوشت و نزد او

خواند و تا آخر عمر به همان ترتیب قرآن را به مردم یاد می‌داد و به همین علت

ابوبکر و عمر در کار جمع قرآن به او اعتماد کردند و عثمان نگارش مصاحف

را به عهده او گذاشت.

مؤلف: این احادیث حاکی از آنند که پیغمبر سالی یک بار در ماه رمضان قرآن را مرور می‌کرده است و در ماه رمضان آخرین سال عمرش دو بار قرآن را مرور کرده است و مصحفی که زید در عهد ابوبکر نوشته است از نظر متن و ترتیب آیات و سوره‌ها مطابق همان قرآنی بوده است که در حضور پیغمبر برای آن حضرت نوشته و نزد آن حضرت خوانده بوده است.

۱۹-۳-۱. نسائی در حدیثی از عبدالله بن عمر روایت کرده است که گفت: کلّ قرآن را حفظ کردم و شبی یک بار آن را از اول تا آخر می‌خواندم. پیغمبر باخبر شد. به من فرمود: طوری بخوان که یک ماه طول بکشد. گفتم می‌توانم در کمتر از این مدت بخوانم. فرمود: در ده روز بخوان، گفتم می‌توانم در کمتر از این مدت بخوانم. فرمود: در هفت روز بخوان نه کمتر.

۲۰-۳-۱. از ابن مسعود روایت شده که قرآن را در کمتر از سه روز ختم نکنید.

۲۱-۳-۱. از سعید بن مُنذر روایت شده است که گفت: به رسول خدا عرض کردم: یا رسول الله، قرآن در مدت سه روز ختم بکنم؟ فرمود: آری، اگر می‌توانی.

۲۲-۳-۱. در حدیثی از قیس بن صعصعه آمده است که گفتیم: یا رسول الله در چه مدّت قرآن را ختم کنیم؟ فرمود: ۱۵ روز، گفتیم: خود را توانا تر از این می‌بینم. فرمود: یک هفته.

۲۳-۳-۱. روایاتی در دست است که نام عده‌ای از صحابه را که حافظ کلّ قرآن بوده‌اند ذکر می‌کنند، مانند ابوبکر و عمر و عثمان و علی بن ابیطالب و عبدالله بن مسعود و معاذ بن جبل و سالم و ابی بن کعب و ابودرداء و زید بن ثابت و طلحه و سعد و حذیفه و ابو هُرَیْرَه و عایشه و حفصه و امّ سلمه و عبّادَة بن صامت و مسلمة بن مخلّد و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عبّاس و سعید بن مُنْذِر و قیس بن صعصعة.

مؤلف: صورت اسامی که در این روایت آمده است ممکن است کامل هم نباشد.

۲۴-۳-۱. در صحیح بخاری ضمن حدیثی راجع به شهدای بئر معونه آمده است که بعضی از اعراب نزد پیغمبر آمدند و کمک خواستند. پیغمبر هفتاد تن از انصار را که در زمان خودشان «قُرّاء» نامیده می‌شدند با آنان فرستاد.

مؤلف: در حدیث مربوط به جمع قرآن در عهد ابوبکر (۱-۲) به کشته شدن عدّه زیادی از قاریان و حافظان قرآن در جنگ یمامه و ترس از کشته شدن عده‌ای دیگر از آنان در جنگ‌های بعدی اشاره شده است.

این احادیث و روایات می‌رسانند که اولاً قرآن هم در سینه مسلمانان حافظ قرآن و هم در صحیفه‌های دست نوشته، آیات و سوره هایش ترتیب ثابتی داشته، زیرا حفظ قرآن جز در این صورت امکان پذیر نیست. ثانیاً، عده‌ای از صحابه به عنوان عبادت و به منظور تَفَقُّه در دین به طور مداوم به تلاوت قرآن اشتغال داشته‌اند. ثالثاً، قاریان و حافظان قرآن در زمان پیغمبر اکرم و خلفای راشدین جمعیت بزرگی را تشکیل می‌داده‌اند.

۲۵-۳-۱. حاکم از عبدالله بن قسطنطین نقل کرده است که قرآن را نزد عبدالله بن کثیر که یکی از امامان قرائت و از تابعین بود می‌خواند. وقتی به سوره ضحیٰ رسید گفت: از اینجا تا آخر قرآن در فاصله هر دو سوره بگو: «الله أكبر». من قرآن را نزد مجاهد می‌خواندم و او مرا به این کار توصیه کرد و گفت که من نزد ابن عباس قرآن را می‌خواندم و او این سفارش را به من کرد و ابن عباس گفت که قرآن را نزد ابی بن کعب می‌خواندم و او مرا به این کار دستور داد و به من گفت: وقتی قرآن را نزد پیغمبر می‌خواندم پیغمبر مرا چنین امر فرمود.

از امام شافعی روایت شده است که اگر تکبیر را ترک کردی سنتی از سنت‌های پیغمبر را ترک کرده‌ای.

مؤلف: این دو روایت می‌رساند که سوره‌های قرآن در زمان پیغمبر به همین ترتیبی که امروزه در دست ماست، مرتب بوده‌اند.

۲۶-۳-۱. ابومنصور ارجانی در کتاب «فضائل القرآن» روایت کرده است که پیغمبر پس از ختم قرآن این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِالْقُرْآنِ وَ...».

مؤلف: در این حدیث مانند چند روایت پیش از این، سخن از ختم قرآن است آن هم توسط خود پیغمبر اکرم که قاعدتاً باید قرآنی ختم شود که دارای ترتیب باشد و دلیلی نداریم که آن ترتیب غیر از ترتیب فعلی بوده باشد.

۲۷-۳-۱. در مسند امام احمد در حدیثی از عبدالله بن مسعود روایت شده است که گفت: از دو لب پیامبر اکرم هفتاد و چند سوره قرآن را فرا گرفته‌ام.

مؤلف: این روایت می‌رساند که دست کم نزدیک به دو سوم سوره‌های قرآن در زمان پیغمبر مشخص و معین و مرتب بوده‌اند.

۲۸-۳-۱. در حدیث بخاری آمده است که ابن عباس گفت: سوره‌های محکم را در عهد رسول خدا حفظ کردم. راوی پرسید: محکم یعنی چه؟ گفت: یعنی مفصل.

مؤلف: با توجه به این که ابن عباس - بنا بر مشهور - در زمان پیغمبر اکرم کودک بوده است این حدیث می‌رساند که سوره‌های قرآن به همین ترتیب فعلی یعنی: سَبْعَ طُولٍ، مِئِينَ، مَثَانِي و مُفَصَّلٍ در زمان پیغمبر اسلام نیز مرتب بوده‌اند، و همانگونه که امروز معمول است که کودکان سوره‌های کوچک قرآن را حفظ می‌کنند، ابن عباس هم در سنین کودکی سوره‌های کوچک قرآن (حزب مفصل: ۱۶-۳-۱) را حفظ کرده بوده است.

۱-۳-۲۹. حاکم در حدیث صحیح از ابن عباس روایت کرده است که پیامبر وقتی جبرئیل به نزدش می‌آمد و می‌خواند: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)؛ آن حضرت می‌فهمید که سوره دیگری آغاز شده است.

در حدیث دیگری از ابن عباس آمده است که مسلمانان پایان یافتن سوره را از نزول (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) درمی‌یافتند.

بیهقی از ابن مسعود روایت کرده است که گفت: جدا شدن سوره‌ها را از آنجا می‌فهمیدیم که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نازل می‌شد.

مؤلف: این احادیث نشان می‌دهند که در زمان پیغمبر سوره‌های قرآن یکایک مشخص می‌شده و ترتیبشان نیز معلوم می‌گردیده است.

نظراتی که از ابن عباس به بعد از علمای اسلامی نقل می‌کنیم سیوطی نقل کرده است. این نظرات می‌رسانند که این علمای بزرگ اجمالاً صحت مطالب

و روایاتی را که در مجموعه سوم تا اینجا نقل کرده‌ایم قبول داشته‌اند.

۳۰-۳-۱. در کتاب فَهْمُ السُّنَنِ از حارث محاسبی نقل شده است که گفت: نگارش قرآن موضوع تازه‌ای نبوده است. پیغمبر اکرم شخصاً به کتابت قرآن فرمان می‌داد.

۳۱-۳-۱. ابوبکر انباری گفته است: ترتیب سوره‌ها و آیات و حروف قرآن همه از جانب پیغمبر است و هر کس سوره‌های قرآن را پس و پیش کند نظم قرآن را به هم زده است.

۳۲-۳-۱. ابن وهب روایت کرده است که امام مالک گفت: قرآن را به همان ترتیبی که از پیغمبر اکرم شنیده بودند، تدوین کردند.

۳۳-۳-۱. بیهقی گفته است: سوره‌ها و آیات قرآن در عهد رسول خدا به همین ترتیب فعلی مرتب بوده است.

۳۴-۳-۱. بغوی در «شَرَحُ السُّنَّةِ» گفته است: صحابه قرآنی را که از جانب خداوند بر پیغمبر نازل شده بود بدون آن که بر آن چیزی بیفزایند یا از آن چیزی کم کنند بین دو جلد قرار دادند، تا مبادا قسمتی از قرآن با وفات حافظان از میان برود. صحابه قرآن را همانگونه که از رسول خدا شنیده بودند نوشتند بدون آن که چیزی را عقب یا جلو بیاندازند یا ترتیبی بدهند که از پیغمبر اسلام تعلیم نگرفته باشند. رسول خدا قرآن را به اصحابش تلقین می‌فرمود

و آیاتی را که بر او نازل می‌شد با همان ترتیبی که هم اکنون در مصاحف می‌بینیم با نظر جبرئیل به آنان یاد می‌داد.

۳۵-۳-۱. ابن حصار گفته است: تعیین ترتیب سوره‌ها و جای یکایک آیات در سوره‌ها از طریق وحی صورت گرفته است و رسول خدا می‌فرموده است که فلان آیه را در فلان موضع قرار دهید و از طریق نقل متواتر ثابت شده است که ترتیب فعلی قرآن مستند به تلاوت رسول خداست و صحابه بر این ترتیب فعلی قرآن اجماع داشته‌اند.

۳۶-۳-۱. ابوبکر باقلانی در کتاب «الکلمات الحسان» می‌گوید: نظریه ما اینست که تمام قرآنی که خداوند برای پیغمبر فرستاد و آن حضرت به ثبت و نگارش و ضبط آن پرداختند ... همه همین کتابی است که بین دو جلد قرار دارد و نظم و ترتیب آن بر پایه همان نظم و ترتیبی است که رسول خدا از جانب خداوند آورده است. نه قسمتی از آن را عقب برده‌اند و نه قسمتی دیگر را جلو انداخته‌اند. امت اسلام همان گونه که قرائت قرآن را از پیامبر فراگرفتند و ثبت و ضبط کردند، ترتیب یکایک سوره‌ها و جای هر آیه را در هر سوره نیز فرا گرفته و ثبت و ضبط کرده‌اند.

۳۷-۳-۱. و نیز ابوبکر باقلانی در کتاب «الإلتصار» آورده است که عثمان مانند ابوبکر قرآن را بین دو جلد نگذاشت. کاری که عثمان کرد فقط این بود که مردم را به قرائتی که در زمان پیغمبر معمول و درست بوده است،

ملزم ساخت و بقیه قرائت‌ها را از رسمیت انداخت و خط قرآن را به همان یک رسم‌الخط و خواندن آن را به همان یک قرائت محدود ساخت تا مبادا فساد عقیده و شبهات در اطراف قرآن اوج گیرد و به دوران‌های بعدی سرایت کند.



موسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن

فصل دوّم

بررسی روایات جمع و تدوین قرآن

مؤسسه علمی بنی کانون نشر و ترویج زبان قرآن

در میان روایاتی که آورده‌یم اخبار غیر موثق زیاد دیده می‌شود. همچنین بعضی از این احادیث و مضمونشان را نه می‌توان اثبات و نه می‌توان نفی کرد. بعضی از این روایات هم حتی با روایات هم ردیف خودشان مخالفت دارند. بعضی رنگ تبلیغات حزبی دارند یا به نحوی دست احزاب سیاسی و مذاهب در آنها دیده می‌شود. در بعضی از آنها شواهدی موجود است که منظور از بیان آنها بهم ربط دادن مسائل و حوادث بوده است. در عین حال روایاتی که در مجموعه سوم آورده‌ایم اجمالاً از یک جهت موثق‌تر از روایات مجموعه‌های اول و دوم‌اند و از جهت دیگر با اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی و سیاسی صدر اسلام هماهنگی بیشتری دارند.

سوره‌های قرآن شریف و تفسیر آن

۱-۲. عنایت و اهتمام پیامبر اکرم به امر کتابت قرآن

قرآن بزرگترین جلوه نبوت و معجزه جاویدان پیامبر اسلام است. قرآن محور اصلی گفتگوها و تبلیغات اسلام در برابر اعراب و اهل کتاب بوده است. در قرآن همانگونه که به کتابهای اهل کتاب که در اختیارشان بوده است اشارات فراوانی دارد، در بسیاری از آیات هم قرآن را «کتاب» می‌نامد. با این وصف چگونه به عقل درست می‌آید که پیغمبر اکرم به ثبت و ضبط آیات و نگارش و تدوین قرآن به صورت کتاب توجهی نکرده باشد؟ گذشته از روایات

مجموعهٔ سوم و شواهدی که در خود قرآن موجود است، داوری عقل همین است که پیغمبر اکرم به این کار فوق العاده اهمیت می‌داده است و با توجه و دقت فراوان در نگهداری دست‌نوشته‌های مرتب شده قرآن می‌کوشیده است و کار نگارش و تدوین قرآن از مهمترین مشاغل آن حضرت بوده است. این بررسی برای ما روشن می‌سازد که روایاتی که می‌گویند آیات قرآن روی اشیاء سنگین و بزرگ که جابه‌جا کردن آنها سخت و نگهداری و مرتب کردن آنها دشوار بوده است - مانند چوب درخت خرما، استخوان کتف شتر و تخته سنگ‌های نازک - نوشته می‌شده است، این روایات نمی‌توانند بازگوکننده مطلب آنطور که بوده است باشند.

موسسه علمی پژوهشی کانون نشر و ترویج زبان قرآن

۲-۲. تصحیح یک غلط مشهور

مفاد این روایات بیشتر مبتنی بر غلط مشهوری است که بر سر زبانهاست، دائر بر این که در زمان پیغمبر نوشت افزارهای معمولی (کاغذ) نبوده یا ناقص بوده است و آن انواع نوشت افزار فراوان و مناسبی هم که در مناطق مجاور عربستان بوده است مانند قرطاس و ورق و تحریر و قماش و کاغذهای نرم و صاف در اختیار مسلمانان قرار نداشته است. یا آن غلط مشهور دیگر که خواندن و نوشتن در مکه و مدینه رواج نداشته است! اما،

هیچ یک از این نظرات مشهور پایه و مایه‌ای ندارد.

این یک ادعا نیست. از نظر علمی ثابت و مسلم است و غیرقابل تردید که خط عربی دهها سال پیش از بعثت پیغمبر اسلام به عربستان آمده و آن خط از خطوط دیگر معمول بین اعراب شام و یمن گرفته شده بوده است. همچنین از نظر علمی ثابت است که خط عربی در شام و یمن و حجاز و عراق رواج داشته است و حتی بیابان‌نشینان نیز بکلی از خواندن و نوشتن محروم نبوده‌اند. بنابراین، دیگر جایی برای آن افسانه منقول در بعضی کتب عربی مانند العُقْدُ الْفَرِید (جلد ۳، صفحه ۲۰۲) درباره پیدایش خط عربی و رسیدن آن به حجاز و رواج نیافتن آن در حجاز، باقی نمی‌ماند. کایتانی خاورشناس مشهور در کتاب تاریخ اسلام در فصل پیدایش خط عربی و گسترش آن با استناد به تحقیقات و کشفیات باستان‌شناسی حق این مطلب را ادا کرده است.

سرزمین حجاز و شهرهای مکه و مدینه محیط تجارتي بوده است و با سرزمین‌های مجاور که از نظر فرهنگ و تمدن تا حدود زیادی پیشرفته بودند ارتباط داشته است و عده‌ای از یهودیان و مسیحیان از آن سرزمین‌ها به عربستان کوچ کرده بودند و خواندن و نوشتن کتابهای دینی و غیردینی معمولشان بوده است. چگونه می‌توان تصور کرد که اعراب حجاز در چنین

محیطی از خواندن و نوشتن برکنار مانده باشند بخصوص که خواندن و نوشتن ضروری‌ترین وسیله تجارت و بزرگترین جلوه تمدن همسایگان حجاز بوده است که تاثیر فراوانی در وضع اجتماعی مردم حجاز داشته است؟

این روایت مشهور است که در جنگ بدر اسیران قریش که فقیر بودند و نمی‌توانستند فدیۀ نقدی بپردازند، قرار براین شد که به کودکان مسلمان مدینه خواندن و نوشتن یاد بدهند و آزاد شوند. در جایی که فقرای اهل مکه خواندن و نوشتن می‌دانسته‌اند چگونه می‌توان گفت که ثروتمندان و بازرگانان و اندیشمندان مکه از خواندن و نوشتن که آنقدر رواج داشته است بی‌بهره بوده باشند؟

دلیل قاطع‌تر از این روایات و بررسی‌های عقلی را باید در خود قرآن جستجو کرد. در آیات بسیاری از قرآن کریم مردم را به علم و خواندن و نوشتن توجه می‌دهد و بخصوص ثبت و ضبط معاملات بازرگانی از نقد و نسیه و کوچک و بزرگ را تشویق کرده است و در آیات متعددی از زبان مشرکان مکه سخنانی نقل کرده است که دلالت دارد بر این که خواندن و نوشتن و علوم و معارف ابتدائی آن زمان در میان آنان رواج داشته است.

منطقه‌ای مانند عربستان که این چنین با کشورهای همسایه متمدن روابط تجارتی دارد و در آن ممالک انواع نوشت افزارها و کتابهای گوناگون

برای خواندن وجود دارد و بسیاری از مردم آن خواندن و نوشتن می‌دانند و کتابهای متعدد در دسترس آنان است و از طرف دیگر تشکیلات تجارتي نیرومند و وسیعی دارد و در خود قرآن نشانه‌هایی از اوصاف زندگی و تمدن و فرهنگ و معارفشان بیان شده است که دلالت کافی دارند بر این که مردم عربستان بهره کمی از فرهنگ و تمدن نداشته‌اند و خواندن و نوشتن به مقیاس نسبتاً وسیعی در میان آنان رواج داشته است، به هیچ وجه نمی‌توان گفت مردم عربستان در چنین موقعیتی به نوشت افزارهای معمولی آن زمان دسترسی نداشته باشند و چیزی نداشته باشند که روی آن قرآن را بنویسند بجز استخوان شتر و سنگ تراشیده و چوب درخت خرما.

۳-۲. نوشت افزارهای مورد اشاره در قرآن و روایات

در قرآن یک بار کلمه قرطاس به صورت مفرد و یک بار هم به صورت جمع قرطایس آمده است که دلالت دارد بر این که نوعی کاغذ به عنوان یک نوشت افزار و برای تهیه کتاب در حجاز معمول بوده است. در سوره انعام درباره کتابهای آسمانی پیشین و در مقام بیان و پاسخ ایراد مشرکان مکه به نحوه نزول قرآن چنین می‌خوانیم:

(وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ

هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ).^۱

(وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُحْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ).^۲

این آیات به وضوح بیان می‌دارند که نوشتن بر روی کاغذ و درست کردن کتاب از آن در آن زمان آنچنان معمول بوده است که وقتی صحبت از کتاب می‌شده است طبعاً اوراقی نوشته شده از کاغذ که میان دو جلد قرار داشته است، منظور بوده است. در قرآن ۸ بار کلمه صحف (جمع صحیفه) به کار رفته است که ۴ مرتبه آن در ارتباط با قرآن و کتابهای آسمانی دیگر است:

(فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ. مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ)^۳

(إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى. صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى)^۴

(بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُّنشَرَةً)^۵

چه کسی می‌تواند بگوید آن وسائل ابتدائی از قبیل چوب و سنگ که

۱. سوره انعام، آیه ۷

۲. سوره انعام، آیه ۹۱

۳. سوره اعمی، آیه ۱۳ و ۱۴

۴. سوره اعلی، آیه ۱۸ و ۱۹

۵. سوره مدثر، آیه ۵۲

روی آن چیز می‌نوشتند، «صحیفه» نامیده می‌شده است؟
 وقتی «صحیفه» گفته می‌شده حتماً منظور، نوعی کاغذ بوده است
 که به راحتی جابه‌جا می‌شده و تا زده می‌شده و روی هم و کنار هم گذاشتن
 و مرتب کردن آن آسان بوده است و همین آیه اخیر که از سوره قیامت آوردیم
 می‌تواند بر این موضوع دلالت داشته باشد که «صحیفه» چیزی بوده است که
 به راحتی باز و بسته می‌شده است و لوازم تحریر نرم را از قبیل قماش و کاغذ
 و حریر و ورقهای نرم و صاف شامل می‌شده است. ببینید در این آیه چگونه
 به صراحت سخن از اوراق کتاب و تا زدن آنها برای تهیه کتاب آمده است:

(يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا

عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ).^۱

سوره نمل، آیه ۱۰۴

چگونه ممکن است قرآن که به زبان مردم عربستان نازل شده است
 سخن از چیزی بگوید که در دسترسشان نبوده است؟! آیات زیر نیز دلالت
 دارند بر این که وسائل معمولی نوشتن و تهیه کتاب در زمان پیغمبر وجود
 داشته و در دسترس اعراب بوده است:

(هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ).^۲

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۴

۲. سوره جاثیه، آیه ۲۹

... وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُؤْيَاكَ حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا.^۱

در آیهٔ اوّل ضمن خطاب به مردم مکه صحبت از نوشتن و نسخه برداری و کتاب به میان می‌آید و در آیه دوم از مشرکان مکه نقل قول می‌شود که طوری سخن می‌گویند که کتاب به صورت مجموعه‌ای از اوراق نوشته شده که برای خواندن تهیه می‌شود در آن زمان رایج و معمول بوده است. و نیز در قرآن به کتابهای آسمانی یهود و نصاری و نگارش و تعلیم و تدریس آنها فراوان اشاره شده است و یهودیان و مسیحیان حجاز مردمی بودند که از سرزمین‌های همسایه کوچیده بودند و در وطن اصلی خود نوشت افزارهای ساده و راحت در اختیار داشتند. چگونه به عقل درست می‌آید که با دسترسی به آن نوشت افزار مناسب بر روی چوب و سنگ و دیگر وسایل ابتدایی کتابهایشان را بنویسند؟ یا در مورد آورندهٔ قرآن می‌توان چنین تصور کرد که پیغمبر اسلام معجزه بزرگش را مانند انجیل و تورات ننوشته و تدوین نکرده باشد؟

در طی سه مجموعه روایاتی که نقل کردیم، چندین روایت به استفاده از ورق و قرطاس برای نگارش قرآن در عهد پیغمبر اکرم اشاره داشتند که

۱. سورة اِسْرَاء، آیه ۹۳

با شواهد و قرائن کاملاً درست در می‌آیند و گذشته از این که این روایات از جهت سند و راوی آنها موثق هستند، هماهنگی مفادشان با شرایط و اوضاع و احوال آن زمان نیز بر اعتبارشان می‌افزاید. (۳-۱)

ساده‌ترین و قاطع‌ترین دلیل برای اثبات این که قرآن در زمان پیغمبر تدوین شده است یک مسئله مسلم تاریخی است که عثمان پس از نگارش مصاحف رسمی به منظور از میان بردن عوامل اختلاف در قرائت و کتابت قرآن دستور داد همه مصحف‌های موجود را آتش بزنند. حال می‌پرسیم که آیا آتش زدن الواح سنگی و چوبی ضخیخ معقول است؟ پس می‌فهمیم که مصاحف موجود در دست مردم در زمان خلیفه سوم از نوع ورق و قرطاس و از این قبیل تهیه شده بوده‌اند.

موسسه تحقیقاتی کانون مشورتی زبان قرآن

البته ما نمی‌خواهیم به طور کلی روایات متعددی را که دلالت بر نوشته شدن آیات قرآن بر الواح سنگی و چوبی و استخوانی و چرمی و غیره دارند رد کنیم. آن روایات هم می‌توانند صحیح باشند اما نه به آن صورت که ظاهرشان حکم می‌کند و عده‌ای می‌خواهند از آنها برداشت کنند. این احتمال وجود دارد که در بعضی مواقع که پیغمبر یکی از کاتبان وحی را فرا می‌خوانده است تا فوراً آیاتی را که بر او وحی شده است بنویسد، کاتب کاغذ یا وسیله دیگری در دسترس نداشته است و از طرفی هم نمی‌خواستند است

اجرای دستور پیغمبر را به تأخیر بیندازد، موقتاً آیات را روی سنگ یا چوب یا استخوان می‌نوشته و بعد، در دفاتر قرآن که تهیه کرده بوده بازنویسی می‌کرده است. مگر نبود که در آن حدیث زیدبن ثابت (۱-۳-۱) می‌گوید: ما در عهد رسول خدا قرآن را از اوراق تألیف می‌کردیم.

احتمال دیگری که وجود دارد اینست که بعضی از اصحاب رسول خدا در شهرها و در بیابانها بعضی از آیات قرآن را که نزد آن حضرت فرا می‌گرفتند به منظور تبرک و نگهداری در خانه، روی یک قطعه سنگ یا چوب یا چیز دیگری می‌نوشته‌اند، و به این علت روی این چیزها می‌نوشته‌اند که دوامشان بیشتر باشد و پاره شدنی و از میان رفتنی نباشد، و این سنت باستانی اعراب بود که مطالب مهم را روی سنگ و نظایر آن می‌نوشتند.

با توجه به این احتمالات، طبیعی است که وقتی دستگاه خلافت آگهی داد که هر کس هر چه از قرآن نزد خود دارد بیاورد، مردم این دست نوشته‌هایی را که روی اشیاء مختلف نوشته بودند آوردند و اخبار همین رفت و آمدها در روایات منعکس شده باشد.

دیدیم که بنا به دلایل و شواهد فراوان، در زمان پیغمبر اسلام، قرآن به تدریج که نازل می‌شده است روی نوعی کاغذ نوشته می‌شده و کنار هم قرار داده می‌شده و تدوین می‌شده است و نزدیک به رحلت آن حضرت قرآن

به صورت یک کتاب کامل در اختیار مسلمانان بوده است.

در مورد ترتیب آیات و سوره‌های قرآن هم باید گفت: پیامبری که مهمترین کار و وظیفه‌اش را کتابت و تدوین قرآن می‌دانسته است و برای آن اهمیت بسزایی قائل بوده است، چگونه ممکن است آن را نامرتب رها کرده باشد و به صورت بهم ریخته از خود به جای گذاشته باشد، به طوری که اول و آخرش معلوم نباشد و معلّم و متعلّم نداند از کجا آغاز کند و به کجا ختم کند؟ طبیعی است که پیغمبر اسلام با همان اصراری که به تدوین قرآن می‌پرداخته است، در کار ترتیب آیات و سوره‌ها و نگهداری مجموعه آیات قرآنی نیز نظارت کامل داشته است.

بعضی از علمای قرآن - چنانکه از خطّابی نقل کردیم (۱-۱-۱) - فکر می‌کرده‌اند که تداوم و استمرار نزول وحی در زمان حیات پیامبر باعث شده است که قرآن زیر نظر آن حضرت مرتب نگردد. اما اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم هیچگونه ملازمه‌ای میان این دو موضوع نیست. ما هم معتقدیم که ترتیب نهائی قرآن در اواخر عمر پیغمبر اکرم انجام گرفته است و پس از نزول سوره نصر که پیروزی و یاری از جانب خداوند را به پیغمبر مژده می‌داد و روی آوردی فوج مردم به دین خدا را بیان می‌کرد و به گونه‌ای از پایان رسالت پیغمبر اکرم خبر می‌داد.

روایاتی که می‌گویند قرآن در ماه رمضان سال آخر عمر پیغمبر دو بار توسط جبرئیل برای آن حضرت دوره شد (۱۹-۳) دلالت بر این دارند که سال آخر عمر پیغمبر قرآن به صورت یک کتاب کامل در آمده بوده است، بخصوص که در یکی از این روایات سخن از نگارش یک نسخه کامل از قرآن توسط زید بن ثابت در زمان پیغمبر به میان آمده است.

از این گذشته، آیا احتمال نزول چندین آیه دیگر مانع تدوین قرآن بوده است و آیا پیغمبر نمی‌توانسته است قرآن را مرتب کند و آیات بعدی را وقتی نازل شدند سرجایشان قرار دهد؟

۴-۲. مفاد احادیث دسته سوم

موسس کلی بنی کانون مشهور ترین زبان قرآن

احادیث مجموعه سوّم غالباً حاوی اشاراتی بودند به کامل بودن و مرتّب بودن قرآن هنگام رحلت رسول اکرم. مفاد این احادیث آن بود که هنگام وفات پیغمبر اسلام قرآن کامل بوده، و وظیفه خلیفه نخستین پیغمبر و بزرگان صحابه، دقت کامل در تدوین و نگهداری آن بوده و نوشتن نسخه نمونه‌ای که مصحف امام باشد و نزد امام مسلمانان و خلیفه پیغمبر محفوظ بماند و در صورت بروز اختلاف به عنوان مرجع مورد استفاده قرار گیرد و هرگونه پیشامد احتمالی و دستبرد حوادث را از قرآن دور گرداند. انتقال نسخه

قرآنی هم که در زمان ابوبکر نوشته شد به عمر بن خطاب و پس از وفات او ماندن آن مصحف نزد حفصه دخترش تا وقتی که به دست عثمان برسد، دلالت بر همین امر دارد.

این نتیجه‌گیری با حدیث زید بن ثابت هم تناقضی ندارد که می‌گفت: زید بن ثابت به جستجو پرداخت و قرآن را از روی سنگ و چوب و استخوان و محفوظات مسلمانان گرد آورد. همچنین، داستان گم شدن دو آیه آخر سوره توبه و پیداشدنشان نزد خزیمه اشکالی به وجود نمی‌آورد. و نیز، شرط پذیرش دست‌نوشته‌ها و آیات حفظی قرآن که عبارت از وجود دو شاهد بوده است. لازمه هیچ کدام از این موضوعات این نیست که در عین حال قرآن‌های مرتب شده و تدوین شده‌ای نیز به صورت کتاب متشکل از اوراق دوخته شده و جلد شده در خانه پیغمبر و نزد بزرگان صحابه آن حضرت و قاریان بزرگ قرآن وجود نداشته باشد.

علت اساسی این اوضاع و احوال و تلاش خلفای راشدین و زید بن ثابت، احتیاط و حرص فراوان آنان بر ثبت و ضبط و تحریر قرآن بوده است. آنان احتمال می‌داده‌اند که با تمام دقتی که در امر فراگیری قرآن از رسول خدا داشته‌اند، مبدا اختلافی پیش بیاید. زیرا قرآن‌هایی که در دست گروه‌های مختلف بوده است از جهاتی اگر چه جزئی با یکدیگر فرق داشته‌اند

و از این موضوع نباید به سادگی می‌گذشتند. و یقیناً روش دقیقی که برای این کار در نظر گرفتند و آن نحوه عمل قاطعانه‌ای که معمول داشتند همه لازم و به خاطر تهیه یک مصحف رسمی بوده است.

نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که حتی یک حدیث منسوب به پیغمبر یا اصحاب بزرگوار آن حضرت نرسیده است که بگوید قرآن در زمان خود پیغمبر آیات و سوره‌هایش مرتب نبوده است و همه این کارها بعد از رحلت پیامبر انجام شده است. دو حدیث بخاری درباره نگارش مصحف در زمان ابوبکر (۲-۱-۱) و نسخه‌برداری آن در عهد عثمان (۲۷-۲-۱) که بیش از همه به آنها استناد می‌شود، کوچکترین اشاره‌ای به چنین چیزی ندارند و حتی اشاره دارند (۹-۳-۱ و ۸-۳-۱) به این که در زمان پیغمبر ترتیب آیات قرآن معلوم بوده و صحابه کاملاً از آن مطلع بوده‌اند.

بخصوص در حدیث مربوط به نسخه‌برداری مصحف در عهد عثمان باید توجه کرد که روایت صراحت دارد بر این که کاری که عثمان کرده است جمع یا تدوین جدیدی نبوده است چنانکه حاکم پنداشته است (۱۳-۱-۱) بلکه فقط عبارت بوده است از نسخه‌برداری قرآن از روی مصحف ابوبکر و هدف از این کار مشخص کردن و متحد کردن شکل نگارش کلمات قرآن و از میان بردن اختلاف قرائت‌ها بوده است.

در عهد عثمان صحیفه‌ها و مصحف‌های گوناگونی از قرآن به دست مردم نوشته شده و در اختیارشان بوده و این جزوه‌ها و کتابها و رسم‌الخط‌های گوناگون نوشته شده بودند و در موقع خواندن نیز مردم هر شهر و دیاری کلمات آن را به شکل خاصی می‌خواندند، و این اختلافات گو این که نمی‌توانست به اصل قرآن لطمه‌ای بزند زیرا صحابه پیغمبر نگهبان آن بودند، اما در عین حال، یک مسیر انحرافی بود که باید به شدت از آن جلوگیری به عمل می‌آمد.

در این روایات، ما می‌بینیم پس از رحلت پیغمبر اکرم، ابوبکر خلیفه وقت با حضور گروهی از صحابه با دقت و اصرار عجیبی به نگارش و تدوین قرآن می‌پردازد، اما هیچ اشاره‌ای به ترتیب آیات و سوره‌های قرآن نمی‌شود. پس معلوم می‌شود ترتیب آیات و سوره‌های قرآن مسئله قابل تردید و اختلافی نبوده است و در اواخر عمر پیغمبر اکرم کاملاً برای صحابه روشن بوده است و قاریان و حافظان قرآن و دیگر کسانی که شاهد این کار ابوبکر بوده‌اند هیچ‌گونه اختلافی میان نسخه‌ای که زید بن ثابت تهیه می‌کرده است با ترتیب قرآن در زمان پیغمبر هم نمی‌دیده‌اند. از سوی دیگر می‌بینیم در زمان عثمان هم دوباره به سراغ همین مصحف می‌آیند و مصحف رسمی را از روی مصحف ابوبکر نسخه‌برداری و تکثیر می‌کنند و این کار نیز در حضور گروهی

از صحابه و قاریان و حافظان و دانشمندان عالی رتبه قرآن انجام می‌گیرد و با هیچ مخالفتی روبرو نمی‌شود. باز از جهت دیگر می‌دانیم که قرآن‌های متداول امروزی همه با رسم‌الخط یکسان و ترتیب و تعداد آیات و سوره‌های برابر عیناً مانند «مصحف امام» است که در زمان عثمان نوشته شده است و در نتیجه کاملاً روشن می‌شود که قرآن با ترتیب و شکل متداول امروزی‌اش عیناً همان قرآن مرتب شده و تدوین شده در زمان پیغمبر است.

این را هم ناگفته نگذاریم که بفرض این که هیچ یک از مصاحف رسمی که در زمان عثمان نوشته شده است تا امروز باقی نمانده باشد، هیچ اشکالی ندارد. آنچه ما می‌گوییم و حقیقت مطلب است اینست که به تواتر ثابت شده است که همه نسخه‌های قرآن از روی مصاحف عثمانی نوشته شده است و در کار استنساخ قرآن از دیرباز دقت‌های فوق‌العاده به عمل می‌آمده است. با وجود این گفته می‌شود که یکی از مصحف‌های رسمی قرآن هنوز موجود است.^۱

علاوه بر این، علمای اسلام مکرراً اصرار داشته‌اند که یکی از نسخه‌های این مصحف عثمانی را دیده‌اند و قرآن موجود را با آن تطبیق داده‌اند. پیش از همه ابوالقاسم عبیدالله بن سلام از علمای موثق و محدثان

۱. ر. ک. پژوهشهایی درباره قرآن و تاریخ آن، ص ۴۴۶.

عالمیقدر قرن دوم هجری بوده است که بر این مطلب تأکید کرده است. این تأکیدات هرگونه شک و شبهه‌ای را از میان می‌برد و پاسخ قاطعی است به کسانی که می‌گویند قرآن متداول امروزی مصحفی است که در زمان حجاج گردآوری و مرتب شده است و حجاج مصحف‌هایی را که در زمان عثمان و پس از آن نوشته شده و در دست مردم بوده است جمع کرده و از میان برده است.

موضوعی که باعث پیش آمدن این اشتباه شده است، اینست که در زمان حجاج قرآن را که تا آن روز بی‌نقطه نوشته می‌شده است نقطه‌گذاری کردند. اما اصولاً چگونه می‌توان پذیرفت که با توجه به گسترش فراوان مسلمانان در اطراف و اکناف دنیای آن روز و نسخه‌های بسیار قرآن که در همه جا موجود بوده است، حجاج توانسته باشد چنان کاری بکند؟ از سوی دیگر، هیچ‌کس پیدا نشده است که بگوید مصحفی را منسوب به حجاج دیده است که کوچکترین اختلافی از نظر متن و ترتیب آیات و سوره‌ها با مصحف عثمانی داشته باشد. اگر چنین کاری در زمان حجاج انجام شده بود جبهه مخالف سلسله امویان بخصوص حجاج که گروه کثیری از مسلمانان را در بر می‌گرفت و همه جا در پی یافتن موارد اتهام تازه‌ای بر علیه آنان بودند چگونه آن را نادیده می‌گرفتند و از این دستاویز بسیار سودمند استفاده نمی‌کردند؟

می‌توان به راحتی حدس زد که اگر کوچکترین تخلّفی از سوی دستگاه اموی در امور مربوط به قرآن شده بود، مخالفان، آن را در رأس جنایتها و خیانتهای امویان ذکر می‌کردند.

یکی از علمای بزرگ و مفسران مشهور شیعه، امام شیخ محمد بن حسن طوسی صاحب تفسیر التبیان که از رجال قرن چهارم و پنجم هجری بوده است در مقدمه تفسیرش راجع به کم و زیاد نشدن قرآن می‌گوید:

«اینکه بعضی گفته‌اند قرآن کم و زیاد شده است اصلاً درست نیست و سزاوار کتابی مانند قرآن نیست. در مورد افزوده شدن چیزی به قرآن هیچ مسلمانی تاکنون چنین سخنی نگفته است. در مورد کاسته شدن از قرآن هم که اصولاً عقیده همه فرق و مذاهب اسلامی اینست که از قرآن چیزی کم نشده است و مذهب شیعه هم طرفدار همین عقیده است و سیدمرتضی بر این اصل تاکید فرموده است. روایات نیز همین معنا را می‌رسانند. یک چند روایتی هم که علمای شیعی و سنی روایت کرده‌اند حاکی از کم شدن آیاتی از قرآن یا جابه‌جا شدن آیات از جایی به جای دیگر، از جهت سند خبر واحد به حساب می‌آیند و نادرست و بی‌اعتبارند و باید آنها را رها کرد و بیهوده به آنها نپرداخت. علاوه بر این، به فرض هم که این اخبار را صحیح بدانیم به اعتبار و اصالت قرآن که مورد تأیید همه فرقه‌های اسلامی است و مخالف و

معارضی ندارد لطمه‌ای نمی‌زند.»

۵-۲. تصحیح یک نسخه خطی

درباره حجاج روایت کرده‌اند که ۱۲ کلمه را در مصحف عثمان تصحیح

کرد:

۲: ۲۵۹	لَمْ يَتَسَنَّهْ	۱- لَمْ يَتَسَنَّ
۵: ۴۸	شَرَعَهُ	۲- شَرِيعَةً
۱۰: ۲۲	يَسِيرُكُمْ	۳- يَنْشُرُكُمْ
۱۲: ۴۵	أَتَيْكُمْ	۴- آتَيْكُمْ
۴۳: ۳۲	مَعِيشَتَهُمْ	۵- مَعَايِشَهُمْ
۴۷: ۱۵	غَيْرِ آسِنٍ	۶- غَيْرِ يَاسِنٍ
۵۷: ۷	أَنْفَقُوا	۷- أَتَقَوُّوا
۲۳: ۸۷ و ۸۹	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ	۸ و ۹- سَيَقُولُونَ لِلَّهِ
۸۱: ۲۴	بِضَنِينٍ	۱۰- بِظَنِينٍ
۲۶: ۱۱۶	الْمُرْجُومِينَ	۱۱- الْمُخْرَجِينَ
۲۶: ۱۶۷	الْمُخْرَجِينَ	۱۲- الْمُرْجُومِينَ

اما، به این نکته توجه نکرده‌اند که حجاج این کار را با تحقیق و اجتهاد

و مذاکره با قاریان و فقهای معاصرش انجام داد و همه اتفاق نظر داشتند

بر اینکه این چند مورد در اثر اشتباه ناسخان تحریف شده‌اند و باید تصحیح شوند. علت این اشتباهات هم گاهی ناآشنایی ناسخان با اصول فن کتابت و قواعد املاء بوده است و گاهی نیز در اثر این بوده است که کاتب، کلمه را اشتباه می‌نوشته است (ابن الخطیب: کتاب الفرقان، ص ۵۰ تا ۵۲). از این گذشته، روایتی در دست است که می‌گوید: بعضی از این کلمات همان کلماتی بوده است که عثمان تصحیح کرده بوده است مانند کلمه «لَمْ يَتَسَنَّهْ» (الفرقان، ص ۴۰).

مترجم: بنابراین، کاری که بنا به این روایت در زمان حجاج انجام شده است تصحیح یک نسخه خطی قرآن بوده است و مقابله آن با مصحف عثمانی، و موضوع دیگری مطرح نبوده است.

به هر حال آنچه مسلم است حجاج مصحف جدیدی ننوشته و ترتیب جدیدی برای قرآن درست نکرده است و نامگذاری «مصحف حجاج» درست نیست، حتی اگر بپذیریم که حجاج بعضی کلمات قرآنی را که به عقیده او و قاریان و علمای آن زمان از جانب ناسخان تحریف شده بوده است تصحیح کرده باشد. از این گذشته، روایت مربوط به مصحف حجاج نمی‌تواند قابل اعتماد باشد. زیرا با توجه به این که فرقه شیعه مسائلی را که مربوط به سلسله امویان می‌شده است بزرگ می‌کرده و درباره آن سخن بسیار می‌گفته‌اند وقتی

می‌بینیم راجع به مصحف حجاج چیزی نگفته‌اند، معلوم می‌شود که اخبار مربوط به آن پایه و بنیادی ندارند و یا دست کم آن دلالتی را که بعضی فکر می‌کنند نمی‌توانند داشته باشند و گرنه شیعیان علوی از آن نمی‌گذشتند. تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که از آیات قرآن و روایات معتبر و شواهد تاریخی بر می‌آید که قرآن در زمان پیغمبر و با نظارت آن حضرت تدوین شده و به صورت کتاب کامل درآمده است و ترتیب آیات و سوره‌های قرآن دقیقاً همان است که پیغمبر به مسلمانان یاد داده است.

۶-۲. بررسی روایات مخالف با نتیجه‌گیری‌های پیشین

اینک به بررسی روایاتی می‌پردازیم که با نتیجه‌گیری‌های مزبور مخالفت دارند. این روایات غالباً در کتابهای معتبری که جامع احادیث صحیح هستند نیامده‌اند و سلسله سند مورد اطمینانی ندارند؛ بعلاوه، آنچه در همه این روایات مشترک است تناقضی است که میان مضامین خود این روایات از یک طرف و روایات معتبر دیگر از طرف دیگر وجود دارد.

آن حدیثی که از زید بن ثابت این سخن را نقل می‌کند که «ما در زمان پیغمبر اوراق قرآن را با یکدیگر تألیف می‌کردیم» هم از نظر سند و هم از نظر دلالت معتبرتر و منطقی‌تر است از روایتی که از قول همین زید بن ثابت نقل

می‌کند که وقتی پیغمبر اسلام رحلت فرمود قرآن به هیچ ترتیبی جمع آوری نشده بود.

گرچه به فرض صحیح بودن این روایت اخیر نیز چنانکه خطابی گفته است می‌توان گفت منظور از این سخن زید بن ثابت آنست که قرآن به صورت یک مصحف مجلد در نیامده بوده است. گفتگوی بین ابوبکر و عمر و زید بن ثابت را هم که چگونه می‌خواهند کاری را بکنند که پیغمبر نکرده است، اگر در صحتش تردید نکنیم، باید به همین ترتیب توجیه کرد.

سیوطی از عبدالله بن جابر نقل می‌کند که از پیامبر اکرم شنیدم. فرمود: قرآن را از چهار نفر فرا گیرید: عبدالله بن مسعود و معاذ بن جبل و سالم مولیٰ حذیفه و ابی بن کعب. روایات دیگری هم با کمی اختلاف در دست است که نام عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب در همه آنها مشترک است.

مؤلف: سخن ما اینست که با وجود ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود که از بزرگان صحابه و علمای قرآن بوده‌اند، چگونه می‌توان پذیرفت که کار جمع آیات و تدوین و ترتیب قرآن در زمان ابوبکر و عمر و نسخه‌برداری از آن در زمان عثمان صورت بگیرد و این دو معلم کبیر قرآن هیچگونه دخالت و نظارتی در آن نداشته باشند و حتی به اطلاع آنان نیز نرسد؟! آیا می‌توان تصور کرد که این دو معلم قرآن و صحابی بزرگوار ایراداتی در مورد کم و زیاد

شدن قرآن داشته باشند و نظرشان آن اندازه مورد توجه قرار نگرفته باشد که هرچه روایات را زیر و رو می‌کنیم اثری از آن دیده نمی‌شود؟ و آیا می‌شود گفت که فقط این دو نفر می‌دانستند که کم و زیادی در قرآن انجام گرفته است و این راز را نزد خود نگاه داشته‌اند و احساس مسئولیتی نکرده‌اند؟ یا آمده‌اند و شهادت داده‌اند و شهادتشان پذیرفته نشده است؟ یا این دو صحابی بزرگ نتوانسته‌اند ادعای خودشان را ثابت کنند؟ یا می‌خواهند بگویند که این دو صحابی بزرگوار حرفشان را در حضور دیگر صحابه عنوان کردند و تأیید نشد؟ و وقتی دیدند صحابه و خلفای پیغمبر به اتفاق درباره قرآن نظر دادند این دو صحابی بزرگوار مصحف‌هایشان را با همان زیاد و کمی‌ها و اختلافی که از نظر ترتیب سوره‌ها با مصحف رسمی متداول میان مسلمانان داشت نگاه داشتند و وقتی خلیفه سوم فرمان داد مصحف دیگر را بسوزانند این دو نفر از خلیفه اطاعت نکردند و مصحف‌های خودشان را نسوزانیدند؟!

با این ترتیب، ما اصولاً تردید داریم که ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود هرکدام یک مصحف مخالف مصحف عثمان داشته و مصحف آنان از نظر رسم الخط و ترتیب آیات و سوره‌ها و تعداد سوره‌ها و کلمات، متفاوت بوده باشد و خبر آنها سالها بعد به مردم رسیده باشد یا خود آن مصحف همچنان باقی مانده باشد.

ما با توجه به بررسی‌هایی که به عمل آورده‌ایم، معتقدیم که روایاتی که اوصاف مصحف‌های اختصاصی ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود را بیان می‌کنند همه جعلی هستند و به دست دشمنان یا دستیاران آنان به منظور آشوب کردن اذهان مسلمانان و ایجاد شبهه در اصالت قرآن ساخته و پرداخته شده است و آثار سیاست و تبلیغات حزبی در آنها دیده می‌شود.

مترجم: منظور اینست که استناد به این روایات برای نشان دادن مخالفت این دو صحابی بزرگ با خلفای ثلاثه بوده است.

بعضی از علمای بزرگ اسلام نظرات سازنده و روشنگری در این باره داده‌اند:

نووی می‌گوید: مسلمانان همه معتقدند که معوذتین و فاتحه جزء قرآن است و هرکسی غیر این معتقد باشد کافر است. بنابراین، چنین نسبتی را که به ابن مسعود می‌دهند (۱-۲-۱ و ۱-۲-۲) درست نیست.

رازی گوید: این نسبتی که به ابن مسعود می‌دهند درست نیست، زیرا در زمان صحابه تواتر حاصل بوده است بر این که معوذتین و فاتحه جزء قرآن است و روی این حساب، انکار آن کفر است. اگر بخواهیم بگوییم قرآن در عصر صحابه تواتر نداشته است باید بگوییم قرآن اصلاً هیچوقت به تواتر نرسیده است سخنی است برخلاف اجماع همه مسلمانان!

ابن حزم می‌گوید: این تهمت دروغی است که به ابن مسعود می‌زنند و کاملاً ساختگی است. زیرا بسند صحیح، عاصم قرآن را از دژ و او از ابن مسعود روایت کرده است و معوذتین و فاتحه هم طبق قرائت ابن مسعود جزء قرآن بوده است.

اما دو سورهٔ حقد و خلع که بنا به این روایت در مصحف ابی بن کعب بوده‌اند (۲-۲-۱) و در قرآن فعلی نیستند، دعای قنوت نماز بوده‌اند و روایت عمر (۶-۲-۱) صریح است در این که پیغمبر این دعاها را پس از سر برداشتن از رکوع خوانده است. بنابراین، به فرض هم که روایتی که می‌گوید این دو سوره در مصحف ابی بن کعب بوده است، صحیح باشد - البته ما در صحت آن تردید داریم - باید گفت: ابی ابتدا اشتباهاً این دعاها را دو سوره از قرآن به حساب آورده است و بعد، وقتی از طرف صحابه تأیید نشده است، متوجه اشتباه خود شده است و آثار این اشتباه همچنان در روایات باقی مانده است. دربارهٔ عمر با آن سختگیری و خشونت‌ی که در امور دینی داشته و موقعیتی که بین صحابه پیغمبر داشته و نخستین کسی است که پیشنهاد ضبط و تحریر و حفظ قرآن را می‌دهد چگونه می‌توان پذیرفت که آیه رجم را نزد زید بن ثابت بیاورد و او نپذیرد و وقتی مورد قبول واقع نمی‌شود ساکت بماند و حاضر بشود که آیه‌ای را که یقین دارد جزء قرآن است و در زمان

پیغمبر جزء قرآن بوده است، از قرآن حذف کنند؟

بنابراین، روایتی که می‌گوید (۶-۱-۱) آیه رجم را از عمر نپذیرفتند چون شاهد دیگری نداشت کاملاً مشکوک است، بخصوص که روایت دیگری (۲-۱) می‌گوید زید دو آیه آخر سوره توبه را از ابو خزیمه با آنکه شاهد دیگری نداشت پذیرفت.

عجیب‌تر و مشکوک‌تر روایتی است (۱۰-۲-۱) که می‌گوید عمر بعد از آن هم که به خلافت رسید معتقد بود که آیه رجم جزء قرآن است.

از این گذشته، روایات متعددی که درباره این موضوع در دست است با هم اختلاف دارند و بر تردید ما بر صحتشان می‌افزایند. از طرف دیگر چگونه به عقل درست در می‌آید که جزء قرآن بودن یک آیه را که یک حکم شرعی را هم در بردارد فقط یک یا دو نفر از صحابه بدانند و دیگران ندانند، یا همه بدانند ولی با هم یک زبان بشوند و با آن مخالفت کنند؟!

درباره عایشه هم نمی‌توان گفت شهادتش را برای اثبات آیاتی که مدعی بوده است نپذیرفته‌اند، یا عایشه کوتاه آمده و حاضر شده است کلمه و آیه یا آیاتی را که معتقد بوده است جزء قرآن است در جمع قرآن به حساب نیاورند. درست است که این حدیث در کتاب الموطأ امام انس بن مالک آمده است، اما باید توجه داشت که در همان کتاب حدیث دیگری با همین عبارات

و جملات آمده است و به جای عایشه نام حفصه در آن آمده است (۱-۲-۲۱). این همانندی کامل دو حدیث انسان را متحیر می‌کند و نمی‌گذارد به راحتی آن را بپذیرد. علاوه بر این، احتمال دارد که جمله «وَصَلَاةِ الْعَصْرِ» تفسیری و توضیحی بوده و به اعتقاد همه صحابه قرآن بودن آن ثابت نبوده باشد که اگر چنین بگوییم نمی‌توانیم بپذیریم که عایشه مخالف اجماع مسلمین عمل کرده باشد و کلماتی را که در مصحف امام نبوده در مصحف خود نگاه دارد یا بنویسد.

درباره روایاتی هم که به بعضی صحابه نسبت می‌دهند (۱-۲-۲۲) تا (۱-۲-۲۵) که بعضی کلمات را به بعضی آیات قرآن اضافه می‌کرده و یا به جای بعضی کلمات، کلمات دیگری می‌خوانده‌اند، همان توجیه بالا درست است. به خصوص که احتمال اشتباه و قصد آشوب کردن اذهان مسلمانان در مورد آنها داده می‌شود و از نظر سند نیز موثق نیستند.

روایات راجع به مصحف علی بن ابیطالب (۲-۲۰) هم و این که از نظر ترتیب سوره‌ها مخالف ترتیب مصحف عثمانی بوده است از هر جهت مورد تردید است.

از ابن سیرین که از تابعین است روایت شده است که در اطراف مدینه به جستجوی مصحف علی پرداخته ولی آن را نیافته است. از این گذشته،

اگر چنین چیزی بود شیعه به راحتی از کنار آن نمی‌گذشتند و از این موضوع که می‌توانست دستاویز خوبی برای مخالفت با ابوبکر و عمر و عثمان باشد بهره‌ها می‌بردند. در صورتی که بعکس روایتی از علی بن ابیطالب نقل شده است که از کوشش ابوبکر و عثمان برای جمع و تحریر و نوشتن مصحف‌های رسمی قدردانی کرده است.

بنابراین، به هیچ وجه جای شک و تردیدی باقی نمی‌ماند در این که قرآن متداول امروزی همان قرآنی است که در زمان پیغمبر تدوین و تنظیم شده و از حیث متن و ترتیب آیات و سوره‌ها هیچ گونه تفاوتی با آن ندارد، و وجود چند روایت از قبیل این روایاتی که مورد بررسی قرار دادیم و احیاناً یک یا چند روایت دیگری که ما به آنها دست نیافته باشیم نمی‌تواند به اصالت و اعتبار قرآن موجود لطمه‌ای بزند و به نظر ما هر روایتی از این قبیل یا جعلی است یا دستکاری شده است، یا دست کم اشتباهاتی در آن رخ داده است.

موضوع مسلم و غیرقابل تردیدی که باید همواره در نظر داشت اینست که اصحاب پیغمبر به نگارش و ثبت و ضبط آیات قرآن توجه و علاقه فوق‌العاده‌ای نشان می‌داده‌اند و در این زمینه هماهنگی و همبستگی کاملی داشته‌اند، به طوری که مصحف نمونه مطابق با قرآن زمان پیغمبر در آید. این اصرار و تاکید صحابه پیغمبر و خلفای راشدین در امر قرآن در اثر یک

انگیزه ایمان نیرومند بود که اندیشه و احساسات آنان را تحت الشعاع قرار داده بود. بررسی احوالات صحابه به خوبی نشان می‌دهد که صحابه تا چه اندازه شیفته و دل‌باخته پیغمبر اسلام بوده‌اند و چگونه به قرآن با دید تعظیم و تکریم می‌نگریسته و قرآن را به عنوان فرآوردهٔ وحی و کلام خدا تا چه حد بزرگ می‌دانسته‌اند و محترم می‌شمرده‌اند و در نگهداری این میراث بزرگ پیغمبر اسلام تا چه اندازه می‌کوشیده‌اند. بنابراین، کاری که در زمان خلفای راشدین در مورد قرآن انجام گرفته است به هیچ وجه جنبه شخصی و سیاسی نداشته است بلکه عملی بوده است که از یک سو به احساس مسئولیت و ادای وظیفه مربوط می‌شده است و از جهت دیگر به عظمت و هیبت فوق العادهٔ قرآن مظهر اسلام.

فصل سوّم

دلایل و شواهد قرآنی

موسسہ فضیلتی ہنری کانون ٹرورٹیج زبان قرآن

این سومین قسمت بحث درباره جمع و تدوین قرآن است که نسبت به کتاب‌های دیگر تاریخ قرآن کاملاً تازگی دارد. مبنای این بحث آن است که در خود قرآن هم اشارات فراوانی وجود دارد به این که جمع و تدوین قرآن در زمان پیغمبر اسلام انجام گرفته است و آیات متعددی دلالت دارند بر این که قرآن در زمان پیغمبر اکرم به طور منظم، نوشته و تدوین می‌شده‌اند و حافظان آن را حفظ می‌کرده‌اند و آیات هر سوره مرتب می‌شده و ترتیب سوره‌ها نیز زیر نظر خود پیغمبر اکرم انجام گرفته است. این آیات به چهار دسته تقسیم می‌شوند. (مترجم).

۱-۳. دسته اول: آیات و سوری که نشان‌دهنده تدوین و ترتیب فوری قرآن هستند

در بعضی سوره‌های قرآن آیاتی قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهند که هر قسمت از قرآن که نازل می‌شده است فوراً تدوین می‌شده و به صورت تدوین یافته و مرتب شده بر مردم خوانده می‌شده و مسلمانان آن را حفظ می‌کرده‌اند:

۱-۱-۳. سوره قیامت

(لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ. إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ. فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ

قُرْآنَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ).^۱

آیات ۱۶ تا ۱۹ در این سوره به صورت معترضه میان یک گروه از آیات قرآن که کاملاً از نظر موضوع و ترکیب و خطاب با یکدیگر اتصال و ارتباط دارند، واقع شده‌اند و علاوه بر اختلاف اسلوبی که با آیات قبل و بعد دارند موضوعی خارج از موضوع سوره را خطاب به پیغمبر بیان می‌دارند. کفایت یک بار سوره قیامت را از اول تا آخر بخوانید تا وضع بخصوص این چهار آیه را در میان آیات آن در یابید.

در شأن نزول این آیات حدیثی داریم که می‌رساند این آیات از آن جهت بر پیغمبر نازل شد که آن حضرت هنگام دریافت وحی قرآن از ترس این که مبادا آیات قرآن را فراموش کند، بی‌صبرانه همراه فرشته وحی آن آیات را می‌خوانده و گاهی از او جلو می‌افتاده است، و در این آیات خداوند او را از این کار نهی می‌کند.^۲

اگر نخواهیم بگوییم این آیات با آیات قبلی و بعدی یکجا نازل شده‌اند، بگوییم چه کسی این آیات را وسط آن سوره قرار داده است؟ و به چه مناسبت؟ پس باید گفت: علت قرار گرفتن این آیات در وسط این سوره آنست که در

۱. سوره قیامت، آیه ۱۶ تا ۱۹

۲. م: ر. ک. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۵، صفحه ۲۹۶.

اثنای نزول آیات همین سوره نازل شده‌اند و طبعاً پیامبر هم طبق معمول بلافاصله پس از نزول وحی، کاتب یا کاتبان وحی را به نوشتن سوره قیامت واداشته است و این چهار آیه را هم به همین ترتیب در میان سوره املا کرده و نوشته شده است. گو این که، این چهار آیه خطاب به شخص خود او بوده و کیفیت دریافت وحی را به او خاطر نشان می‌ساخته است.

این چهار آیه از جهات دیگری هم می‌توانند قابل توجه و الهام بخش، و برای شناسایی بهتر قرآن و نحوه نزول و جمع و تدوین آن راهنمای خوبی باشند؛ حتی این آیات در برابر سرسخت‌ترین شکاکان در امر پیامبری و وحی و قرآن می‌توانند پاسخگو باشند.

بنابر مفاد این آیات، پیغمبر اسلام وقتی آیات قرآن به او وحی می‌شود با تمام وجود این ارتباط با خدا را درک می‌کند و با تمام وجود گوش فرا می‌دهد و قلبش را تابش نور وحی فرا می‌گیرد. این آیات به ما می‌گویند که چگونه پیغمبر اسلام نگران است که مبادا کلمه یا حرف یا مفهومی از وحی و قرآن از دستش برود و می‌شتابد که هرچه زودتر آیات را بخواند و املا کند و کاتبان وحی بنویسند و آن را به صورت نوشته‌ای غیرقابل تردید و کم و زیاد ناشدنی و تقدیم و تأخیرناپذیر درآورد.

این آیات، ضمناً عصمت و مصونیت پیغمبر اسلام را از اشتباه و تردید

و فراموشی در کار رسالت و ابلاغ وحی الهی و آیات قرآن کریم نیز بیان می‌دارند. به حکم این آیات، پیغمبر امکان ندارد آیه‌ای را فراموش کند یا به غلط کلمه‌ای را برای مردم بخواند یا در خواندن قرآن دچار اشتباهی شود، یا حرفی کم و زیاد بخواند. بنابراین، تمامی آیات قرآن وحی خدا هستند و پیغمبر اسلام تمامی آیاتی را که به او وحی شده حرف به حرف و کلمه به کلمه به مردم رسانیده است.

این آیات، پاسخگوی این سخن بی‌پایه و محتوا نیز هست که بعضی درباره قرآن می‌گویند: مفهوم نزول قرآن بر پیغمبر اینست که معانی و مفاهیم قرآن بر قلب پیغمبر فرود آمده و کلمات و جملات قرآن ساخته و پرداخته خود پیغمبر است.

موسسه تحقیقاتی کانون نشر و ترویج زبان قرآن

اگر در متن این آیات کمی دقت کنیم، می‌بینیم که متکلم در این آیات خداوند است و قرآن کلام خداست. و می‌توان گفت این آیات به وضوح ترسیم می‌کند که قرآن وحی مستقیم خداوند به قلب پیغمبر است که پیغمبر آن را کاملاً دریافت و درک می‌کند و به مردم ابلاغ می‌فرماید.

نیز، وجود این چهار آیه در وسط سوره قیامت بازگوکننده اینست که پیغمبر بلافاصله پس از نزول آیات قرآن دست به کار نگارش و تدوین و تنظیم آنها می‌شده است و حتی آیاتی را که مستقیماً روی سخن در آن آیات با خود

او بوده است و طرز دریافت و درک کامل وحی را به پیغمبر می‌گوید. عیناً به همان صورتی که از جانب خداوند وحی شده بود، در کنار آیات دیگری برای مردم می‌خوانده و به کاتبان وحی دستور می‌داده است بنویسند. همچنین این آیات می‌رسانند که روش پیغمبر از همان آغاز پیامبری بر این منوال بوده است، زیرا می‌دانیم که سوره قیامت از نخستین سوره‌هایی است که در مکه نازل شده است.

این آیات، دقت و امانت فوق العاده پیغمبر را می‌رسانند که چگونه آنچه را که به قلب مبارکش وحی می‌شود حتی اگر مربوط به اندیشه و باطن و طرز دریافت وحی و حال و وضع خودش در هنگام نزول وحی یا کوچکترین حرکت ناخودآگاه زبانش باشد، همه را عیناً به همان صورت وحی شده بازگو می‌کند و مراقبت می‌کند که دقیقاً نوشته شوند.

نظیر این آیات در موارد بسیار دیگری نیز مشاهده می‌شود که به هر یک در جای خود در دوره کامل تفسیر قرآن اشاره کرده‌ایم.

۲-۱-۳. سوره طاهها

در سوره طاهها نیز آیه دیگری، آیه ۱۱۴، مشابه چهار آیه سوره قیامت آمده است که همان مفاهیم را دارد و زمینه نزول آن نیز به همان گونه است

و به طور خلاصه تعبیر دیگری از همان مطلب در مورد دیگری است که به پیامبر اطمینان خاطر می‌دهد. آن آیه اینست:

(فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا).^۱

توضیحاتی که درباره چهار آیه سوره قیامت داده شد در مورد این آیه نیز صدق می‌کند.

۳-۱-۳. سوره شعرا

در سوره شعرا یک سلسله طولانی از داستانهای پیامبران آمده است و برای هریک از پیامبران هود، صالح و لوط، جمله «أَخُوهُمْ» آمده است مگر برای شعیب که این صفت نیامده است، و از طرف دیگر همین جمله «أَخُوهُمْ» برای همین شعیب در سوره‌های دیگر قرآن آمده است. به آیه ۸۵ سوره اعراف و آیات ۵۰ و ۸۴ سوره هود و آیه ۳۶ سوره عنکبوت مراجعه کنید. این موضوع نشان می‌دهد که آیات قرآن به همان ترتیب که بر پیغمبر نازل شده است حرف به حرف و کلمه به کلمه و آیه به آیه توسط پیغمبر مردم خوانده می‌شده و به همان ترتیب نوشته و تدوین شده است و در این

۱. سوره طها، آیه ۱۱۴

سوره استثنائاً خداوند برای شعیب صفت «أَخُوهُمْ» را نیاورده است و علتش را خود او می‌داند.

بعضی از علمای تفسیر گفته‌اند علت آنست که آیات در آن سوره‌ها راجع به قوم شعیب است و در این سوره «أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ» و این دو قوم با هم تفاوت دارند، و علت نیامدن کلمه «أَخُوهُمْ» در سوره شعرا همین است. اما، خود قرآن بر نادرستی این نظریه گواهی می‌دهد: اولاً، آیاتی که درباره قوم شعیب و اصحاب ائیکه در قرآن آمده است کاملاً همانند یکدیگرند، و ثانیاً، در قرآن آیه‌ای نداریم که این دو نام دنبال هم در آن آمده باشد و اگر دو قوم مختلف بودند دست کم در یک مورد در قرآن پشت سر هم ذکر می‌شدند. به آیات ۱۳ و ۱۴ سوره قاف و ۱۲ و ۱۳ سوره صاد و ۷۰ سوره توبه و ۴۳ و ۴۴ سوره حج مراجعه کنید.

۴-۱-۳. سوره صاد

در سوره صاد که نام عده‌ای از پیامبران می‌آید، درباره داوود و سلیمان و ایوب و ابراهیم و اسحاق و یعقوب، صفت «عَبْدَنَا» و «عِبَادَنَا» می‌آید ولی برای سه پیامبر دیگر که نامشان در آیه ۴۸ آمده است این صفت نمی‌آید. این هم دلیل دیگری است بر این که آیات این سوره بلافاصله پس از نزول وحی

به همان ترتیبی که وحی شده نوشته شده‌اند و در اصل وحی به دلیلی که خدا خود می‌داند صفت «عَبْدٌ» برای این سه پیامبر نیامده است.

۵-۱-۳. سوره‌هایی با آیات مشابه و تفاوت یک کلمه‌ای

گاهی یک آیه در دو جای قرآن به یک صورت آمده است و فقط یک کلمه جابه‌جایی دارد. مثلاً در سوره مؤمنون آیه ۸۳ می‌خوانیم: (لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ) در سوره نمل آیه ۶۸ این عبارت را عیناً می‌خوانیم با این تفاوت که در آنجا کلمه «هذا» جلوتر آمده است: (لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ). آیا این تفاوت دقیق جز در صورت نگارش و تدوین فوری قرآن بلافاصله پس از نزول آیات، می‌توانست همچنان باقی بماند، بدون آن که بر سر آن اختلافی وجود داشته باشد؟

۶-۱-۳. سوره نحل

جالب‌تر از همه این موارد، داستانی است که سوره نحل به آن اشاره می‌کند و خلاصه ماجرا از این قرار است که در یک مورد پیغمبر اسلام از جانب خدا مأمور می‌شود که آیه‌ای را جابه‌جا کند. مشرکان این موضوع را

دستاویز قرار می‌دهند و حتی بعضی از تازہ مسلمانان مکّه ایمانشان به پیغمبر متزلزل می‌گردد.

این آیات را در سوره نحل (۱۶) بخوانید:

(فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ * وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ * وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِي وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ * إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ * مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ عَذَابٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ).^۱

تصور وقوع این حادثه تنها در صورتی ممکن است که قسمتی از قرآن تدوین شده و مدتی خوانده شده باشد و پس از آن پیغمبر از جانب خداوند مأمور شود که یک آیه را از جای خودش بر دارد و آیه دیگری را به جای آن

۱. سوره نحل، آیات ۹۸ تا ۱۰۷.

قرار دهد. از سوی دیگر، لازمهٔ متوجه شدن کافران و مشرکان به این تغییر آنست که قسمتی از قرآن به صورت مرتب شده و سوره‌بندی شده بارها برای مردم خوانده شده و دست نوشته‌های آن بین مردم منتشر شده باشد و در دسترس کفار و مشرکان نیز قرار گرفته باشد تا کوچکترین تغییری بتواند جلب توجه کند.

۷-۱-۳. سُورِ مکی و انواع تعبیرشان از قرآن

در سوره‌های مکی قرآن، در آیات متعددی قرآن «کتاب» نامیده شده است یعنی «نوشته شده» و در بعضی آیات دو کلمهٔ کتاب و قرآن در ردیف هم ذکر شده‌اند؛ یعنی کتابی که خوانده می‌شود و نوشته می‌شود. در این آیات اهمیت فوق‌العاده قرآن با تعبیرات گوناگون بیان می‌شود و قرآن بزرگترین مظهر و نشانه پیامبر قلمداد می‌شود و می‌گوید قرآن برای آن نازل شده است که برای مردم خوانده شود و در آن انواع تعبیرات و بیان‌ها آمده است تا مردم در آیات قرآن تدبّر کنند و مفاهیم آن را دریابند. قرآن بر پیغمبر نازل شده است تا آیات را برای مردم بیان کند و موارد اختلافشان را برایشان توضیح دهد.

از این آیات همچنین استفاده می‌شود که خود قرآن بهترین موضوع کشمکش و بگو مگوی پیغمبر اسلام با مشرکان مکه بوده است. همه این

اشارات به ما می‌فهماند که جریان امر از این قرار بوده است که هر قسمت از قرآن که نازل می‌شده به طور مرتب و منظم تدوین می‌شده و برای مردم اعمّ از مسلمان و مشرک خوانده می‌شده و مشرکان برای آماده شدن بیشتر برای مخالفت، و مسلمانان به منظور تدبّر و تفکّر و تعلّم و تفقّه، قسمت‌های مختلف قرآن را به صورت گروهی از آیات مرتب و منظم و غالباً به صورت یک سوره یا چند سوره می‌نوشته و تدوین می‌کرده‌اند و در اختیار داشته‌اند.

۸-۱-۳. سوره فرقان

در سوره فرقان این آیه توجه محقق را به خود جلب می‌کند که می‌گوید:

(وَقَالُوا أَأَسَاطِيرُ الْأُولِينَ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلِّئُ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا).^۱

این آیه یک ادعای گزاف را از اعراب معاصر پیغمبر نمی‌خواهد نقل کند، بلکه گزارشگر یک واقعیت است و آن اینکه آیات و سوره‌های قرآن همانگونه که بتدریج نازل می‌شده‌اند تدوین می‌شده و سپس از روی صحیفه‌های نوشته شده و مرتب شده برای مردم خوانده می‌شده است و همین موضوع فرصتی برای مشرکان فراهم آورده است که بگویند: وی آنچه را که قرآن می‌نامد از روی کتابها و افسانه‌های پیشینیان رونویس کرده است.

۱. سوره فرقان، آیه ۵

۹-۱-۳. سوره اعمی (عبس)

در سوره اعمی می خوانیم:

(فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ. مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ. بِأَيْدِي سَفَرَةٍ. كِرَامٍ بَرَرَةٍ).^۱

این آیات گرچه در اصل رابطه قرآن را با فرشتگان و طهارت و اصالت آن و مصدر نزول قرآن و عظمت و اهمیت آن را بیان می دارند، اما روح این آیات الهام بخش این نکته اند که قرآن به صورت صحیفه هایی در می آمده و در میان مسلمانان دست به دست می شده است و مسلمانان موظف بوده اند رعایت احترام آنها را بکنند، و جز با طهارت دست به آنها نزنند. روایات معتبر بخصوص روایت مربوط به اسلام آوردن عمر مؤید این مطلب است که می گوید: عمر صحیفه ای از قرآن را در دست خواهرش دید و خواست از او بگیرد، خواهرش به او نداد و گفت: اگر بخواهی به دست تو بدهم باید تطهیر کنی! از نظر فقهی نیز می دانیم که دست کشیدن و تماس دادن بدن به خط قرآن جز در حال طهارت جایز نیست.

۱۰-۱-۳. سوره حجر

آیه ۹ سوره حجر: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) ضمن این

۱. سوره اعمی، آیات ۱۳ تا ۱۶

که وعده خداوند را به حفظ قرآن اعلام می‌دارد، یک نوع دستورالعمل برای پیغمبر نیز دربردارد که آن حضرت وظیفه دارد قرآن را تدوین کند و نگاه دارد و به هر شکلی که می‌تواند در نگهداری آن کوتاهی روا ندارد.

۱۱-۱-۳. سوره‌های مکی مشتمل بر یادکرد اهل کتاب و تأکید

بر اصالت قرآن

در سوره‌های مکی قرآن بارها سخن از اهل کتاب و کتابهایشان آمده و هماهنگی قرآن و دیگر کتابهای آسمانی بیان شده و اهل کتاب را گواه بر حقانیت و اصالت قرآن گرفته است و عکس‌العمل‌های مختلف یهود و نصارا را در برابر قرآن توضیح می‌دهد. واضح است که پیغمبر اکرم وقتی می‌بیند همه کتابهای آسمانی که در دست یهود و نصارا قرار دارد بر روی صحیفه و کاغذ نوشته شده و به صورت اسفار و مجلّات درآمده است، متوجه می‌شود که او هم باید قرآن را به صورت کتابی نظیر آن کتب آسمانی دیگر درآورد تا از نظر ظاهری همانند کتابهایی بشود که تصدیق‌کننده آنهاست و پایه و مایه و مصدر آن همان اساس و روح و محور مطالب آن کتابهاست و جز این نمی‌توان تصور کرد که پیغمبر و مسلمانان قطعاً از این نکته غافل نمانده‌اند.

۲-۳. دسته دوم: اشارات متعدد سُورِ مکی قرآن به نظم و ترتیب آیات هر سوره در زمان پیغمبر اکرم

۱-۲-۳. تکرار فراوان کلمه «سوره»

در سوره‌های مکی کلمه «سوره» فراوان تکرار شده است بخصوص در زمینه بیان اعجاز قرآن که یک بار از مشرکان و کافران خواسته شده است ده سوره مثل قرآن بیاورند و بار دیگر یک سوره:

(أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ).^۱

(أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ).^۲

ظاهر عبارت آیات به خودی خود دلالت دارند بر اینکه منظور از «سوره» یک مجموعه متشکل و مستقل از آیات است، و نیز دلالت دارند بر اینکه مجموعه‌های آیات قرآن در هنگام نزول این آیات که قاعدتاً باید در اواسط سالهای اقامت پیغمبر در مکه نازل شده باشند، به صورت سوره‌های مستقل و کامل تنظیم شده بودند، به طوری که معقول بوده است گفته شود

۱. سوره هود، آیه ۱۳

۲. سوره یونس، آیه ۳۸

مانند ده سوره یا مانند یک سوره از قرآن را بیاورید! بدیهی است که در سالهای بعد هم همین روش معمول بوده است.

۲-۲-۳. یکپارچگی موضوعی ۶۵ سوره مکی

سوره‌های مکی دارای سجع یا وزن با قافیه، با شمارش سوره‌های رحمان، انسان و زلزال که به عقیده نویسنده مکی هستند و روایات متعددی هم مکی بودن آنها را تأیید می‌کنند، ۶۵ سوره هستند که ۵۴ تای آنها کوتاه بوده و عبارتند از: فاتحه، ناس، فلق، اخلاص، ابی لهب، کافرون، کوثر، ماعون، قریش، فیل، همزه، عصر، تکاثر، قارعه، زلزال، عادیات، قدر، علق، تین، انشراح، ضحی، لیل، شمس، بلد، فجر، غاشیه، اعلی، طارق، بروج، انشقاق، مطففین، انفطار، تکویر، اعمی، نازعات، نبأ، مرسلات، انسان، قیامت، مدثر، مزمل، جن، نوح، معارج، حاقه، قلم، ملک، واقعه، رحمان، قمر، نجم، طور، ذاریات، قاف.

در این سوره‌ها یکپارچگی موضوع کاملاً آشکار است و نگارنده معتقد است که هریک از این سوره‌ها در یک مرتبه نزول وحی نازل شده‌اند و به عنوان یک سوره مستقل شناخته شده‌اند و هر نظر دیگری را نادرست می‌داند. البته باید پذیرفت که چند سوره در این میان استثنا هستند مانند:

علق، مزمل، مدثر و قلم که بنا به روایات این سوره‌ها به صورت یکپارچه نازل نشده‌اند و مضمون آیات این سوره‌ها نیز روایات مربوط به شأن نزول این آیات را تأیید می‌کند؛ بخصوص، سوره مزمل که آیه آخر آن در مدینه نازل شده است.

۳-۲-۳. هماهنگی کامل متن گروه‌های مختلف آیات در دیگر سوره‌های مکی مسجّع یا موزون

دقت در گروه‌های مختلف آیات سوره‌های دیگر مکی مسجّع یا موزون متوسط تا سوره صاد، صافات، یاسین، فاطر، شعرا، فرقان، طاها، مریم، کهف، بنی اسرائیل و حجر نیز نشان می‌دهد که فصول مختلف این سوره‌ها به دنبال هم نازل می‌شده و به یکدیگر متصل می‌شده‌اند و مطالبشان کاملاً هماهنگ است. در نتیجه می‌توان گفت بعضی از این سوره‌ها نیز به صورت یکپارچه نازل شده‌اند و بعضی دیگر به صورت چند فصل دنبال هم بدون آن که نزول قسمتی از سوره‌های دیگر میانشان فاصله بیاندازد، نازل می‌شده‌اند، تا وقتی که یک سوره تمام می‌شده و عنوان و استقلال خود را باز می‌یافته است و سوره دیگری شروع می‌شده است.

۴-۲-۳. هماهنگی کامل سیاق و فصول سور مکی غیرمسجّع

و غیرموزون

سوره‌های مکی غیرمسجّع و غیرموزون ۲۶ سوره‌اند: احقاف، جاثیه، دخان، زخرف، شورا، فصلّت، مؤمن، زمر، سبأ، سجده، لقمان، روم، عنکبوت، قصص، نمل، مؤمنون، حج، انبیاء، نحل، ابراهیم، رعد، یوسف، هود، یونس، اعراف و انعام.

این که این سوره‌ها را غیرمسجوع و غیرموزون نامیدیم از نظر کلی است و گرنه در این سوره‌ها هم گاه‌گاه یک یا چند دسته آیات مسجوع یا موزون دیده می‌شود. ۹ تا از این سوره‌ها بیشتر به سوره‌های کوتاه متمایل‌اند تا به سوره‌های متوسط که عبارتند از: احقاف، جاثیه، دخان، زخرف، شورا، فصلّت، سبأ، سجده، لقمان؛ و ۹ تای دیگر متوسط و نزدیک به طولانی هستند. این سوره‌ها هم با آن که مسجوع و موزون نیستند جملات آخر آیاتشان با یکدیگر هماهنگی کامل دارند.

با دقت در این سوره‌ها معلوم می‌شود که آیات این سوره‌ها از نظر سیاق و هماهنگی فصول مختلف آنها کاملاً به هم پیوسته و بیشتر این سوره‌ها از نظر موضوع یکپارچه‌اند. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که سوره‌های ذاریات تا قمر یکپارچه نازل شده‌اند و سوره‌هایی که احتمال دارد در یک مرتبه نزل

وحی نازل نشده باشند، به صورت فصل‌های دنبال هم و بدون آنکه آیاتی از سوره‌های دیگر در بینشان نازل شوند، نازل می‌شده‌اند تا هریک از این سوره‌ها پایان می‌پذیرفته و آنگاه سوره بعدی آغاز می‌شده است.

توضیحاتی که در بندهای ۳-۲-۳ و ۳-۲-۴ آورديم حدس و تخمین نیست. ویژگی‌های آیات مکی قرآن و خصوصیات محیط دعوت پیغمبر اسلام در مکه پیش از هجرت، همه گواه درستی آنهاست. دوران اقامت پیغمبر در مکه دوران دعوت و تبلیغ زیربنای عقاید و احکام اسلام بود، کار پیغمبر در این سالها هشدار و انذار و تشویق و تبشیر و دعوت و تبلیغ اسلام بود. کار مخالفان آن حضرت هم انکار بود و آزار و لجاجت و خصومت و بگو مگو و کشمکش. از این رو، همه آیات و سوره‌های مکی دارای اسلوبی متناسب با این محیط و از نظر مطالب کاملاً به یکدیگر شبیه می‌باشند. بنابراین وقتی مطالب سوره‌ها متشابه است و از نظر اسلوب نیز یکسانند، چه لزومی می‌تواند داشته باشد که قبل از تمام شدن یک سوره آیاتی از سوره دیگری نازل شود؟! در هریک از این سوره‌ها که بنگریم، یکپارچگی مطالب و اهداف و روش بیان هر سوره به ما خاطر نشان می‌سازد که هر یک از این سوره‌ها یا یکپارچه و هماهنگ نازل شده‌اند یا در چند نوبت وحی دنبال هم. این موضوع در سوره‌های متوسط و طولانی مکی نیز کاملاً مشهود است.

۵-۲-۳. سرآغاز و مطلع خاص سور مکی و استقلال آن

۲۷ سوره از سوره‌های مکی قرآن با حروف مقطعه آغاز می‌شوند: قلم، قاف، احقاف، جاثیه، دخان، زخرف، شورا، فصّلت، مؤمن، صاد، یاسین، سجده، لقمان، روم، عنکبوت، قصص، نمل، شعرا، طه، مریم، حجر، ابراهیم، رعد، یوسف، هود، یونس و اعراف. ۱۷ سوره دیگر از سوره‌های مکی که بیشترشان سوره‌های کوچک قرآن‌اند، با قسم آغاز شده‌اند: عصر، عادیات، تین، ضحی، لیل، شمس، فجر، بلد، طارق، بروج، نازعات، مرسلات، قیامت، نجم، طور، ذاریات و صافات. ۹ سوره دیگر که از نظر اندازه سوره مختلف‌اند با حمد و ثنای الهی و تسبیح پروردگار آغاز شده‌اند: فاتحه، اعلی، ملک، ملائکه (فاطر)، سیا، فرقان، کهف، بنی‌اسرائیل (اسراء) و أنعام. ۹ سوره دیگر که همه از سوره‌های کوچکند با پرسش شروع شده‌اند: ماعون، فیل، انشراح، قارعه، غاشیه، نبأ، انسان، معارج و حاقّه. ۹ سوره دیگر از سوره‌های کوچک با خطاب به پیغمبر آغاز می‌شوند: ناس، فلق، اخلاص، کافرون، کوثر، علق، مدثر، مزمل و جن. ۴ سوره با نفرین و انذار آغاز شده است: مسد، همزه، تکاثر و مطففین. ۵ تا هم با حرف إذا شروع شده است: زلزال، انشقاق، انفطار، تکویر و واقعه.

به این ترتیب، ۸۰ سوره از ۹۱ سوره مکی قرآن دارای مطلع و سرآغاز

خاصی هستند که نشان می‌دهد سوره‌هایی مستقل‌اند؛ اما بقیه سوره‌های مکی: ۷ سوره کوچک مُسَجَّع است: قریش، قدر، اعمی (عبس)، نوح، رحمان، قمر و زمر. این سوره‌ها نیز وضع خاصشان دلالت بر نزول همزمان آیاتشان دارد. ۴ سوره باقیمانده هم: مؤمنون، حج، انبیا و نمل، سرآغازهایشان کاملاً نشان می‌دهند که اینها سوره‌های مستقلی هستند.

۳-۳. دسته سوم: شواهد سوره‌های مدنی مبنی بر کتابت فوری آیات قرآنی

اگر بررسی‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی که داشتیم و شواهدی که از خود قرآن استخراج کردیم مبنی بر این که سوره‌های قرآن که تا پیش از هجرت بر پیغمبر نازل می‌شده‌اند فوراً نوشته و تدوین می‌شده‌اند و با نظم و ترتیب حفظ می‌شده‌اند - چنانکه نگارنده شخصاً معتقد است که درست است، درست باشد، در دوران پس از هجرت و در مدینه که از هر نظر شرایط مساعدتر بوده است، مسلماً این روش با نظم و ترتیب بیشتری همچنان عمل می‌شده است. رسالت پیغمبر که در مکه در مرحله دعوت و تبلیغ بود، در مدینه به مرحله قانونگذاری و تشکیل حکومت پای گذارد. مسلمانان آرامش و استقرار بیشتری یافتند و طبیعی است که این اوضاع و احوال مناسب‌تر مستقیماً روی

نگارش و تدوین قرآن اثر گذاشته باشد. از این گذشته، در مدینه یهودیان بسیاری زندگی می‌کردند و برای خودشان ملاً و قاضی و مدرسه و کتاب داشتند و با ورود پیغمبر به مدینه کشمکش و اختلاف و مجادلهٔ آنان با پیغمبر دربارهٔ اسلام و قرآن و تورات و پیامبران آغاز شد، و هریک از این مسائل انگیزه‌ای برای توجه بیشتر به تدوین قرآن و محافظت از دفاتر منظم شدهٔ آن است. بنابراین، جای تردید باقی نمی‌ماند که:

همچنانکه کاتبان وحی در مکه با دقت و تأکید فراوان آیات قرآن را بلافاصله پس از نزول وحی زیر نظر مستقیم آن حضرت روی کاغذ معمول آن زمان و در دفاتر آماده شده تدوین می‌کردند و مرتباً قسمت‌های تنظیم شده قرآن را نگاه می‌داشتند، این روش در مدینه نیز همچنان ادامه یافته است و همچنان که برای اثبات این موضوع در رابطه با دوران پیش از هجرت، شواهدی از قرآن در اختیار داشتیم، در اینجا نیز نظیر آن شواهد را در آیات مدنی داریم:

۱-۳-۳. در سورهٔ بقره دو آیهٔ کاملاً مشابه یکدیگر داریم که یک تفاوت جزئی با هم دارند:

(وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ

مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ). (آیه ۴۸)؛

(وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا

شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصُرُونَ). (آیه ۱۲۳).

۲-۳-۳. در سوره بقره و آل عمران دو آیه با یک مضمون با

تفاوت‌های دقیق آمده است:

(قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ). (سوره بقره، آیه ۱۳۶)؛

(قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ

مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ). (سوره آل عمران، آیه ۸۴).

۳-۳-۳. در سوره توبه دو آیه کاملاً متشابه داریم با چند

تفاوت دقیق در کلمات و ترکیب جملات:

(فَلَاتُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ). (آیه ۵۵)؛

(وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا

وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ). (آیه ۸۵).

روند آیات نشان می‌دهد که هر یک از این دو آیه در سوره بقره در یک مرتبه نزول وحی و در ضمن یک فصل طولانی از سوره، نازل شده‌اند و تفاوت‌هایی که در متن دو آیه می‌بینیم نشان دهنده آن است که این دو فصل از سوره بقره فوراً پس از نزول وحی بر پیغمبر زیر نظر آن حضرت نوشته و تدوین شده‌اند. دو آیه مشابه سوره توبه هم همین وضع را دارند.

مترجم: از این گونه آیات که دو به دو با یکدیگر متشابه‌اند نمونه‌های دیگری نیز در قرآن وجود دارد. حالا اگر توجه کنیم به این نکته که سوره بقره از اولین آیات قرآن است که در مدینه نازل شده است و سوره توبه از آخرین آیات مدنی است، با این حقیقت مواجه خواهیم شد که تدوین قرآن بلافاصله پس از هجرت معمول بوده و تا نزول آخرین آیات ادامه داشته است.

۴-۳. دسته چهارم: تعیین جای آیات در دستور پیامبر اکرم

برای اثبات این مطلب نیز که سوره‌های مدنی به دستور پیغمبر مرتب می‌شده و آیات هر سوره با اشاره پیغمبر تدوین می‌شده است، شواهدی در خود آیات و سوره‌های مدنی وجود دارد:

۱-۴-۳. دو سوره از سوره‌های مدنی با حروف مقطعه شروع

شده‌اند: بقره و آل عمران. ۸ تا از سوره‌های مدنی با ندای پیغمبر و خطاب به آن حضرت شروع شده است: نصر، تحریم، طلاق، تغابن، منافقون، مجادله، فتح، احزاب و انفال. ۵ تای آنها با تسبیح شروع می‌شود: تغابن، جمعه، صف، حشر، حدید. ۳ تای آنها با خطاب (یا ایها الذین آمنوا) شروع شده است: ممتحنه، حجرات، مائده.

بنابراین ۱۸ سوره از ۳۳ سوره مدنی دارای سرآغازهایی هستند که خود به خود آغاز سوره بودنشان مشخص است و نشان می‌دهد که این سوره‌ها به صورت تفکیک شده و به عنوان یک سوره جدا از سوره‌های دیگر شناخته می‌شده‌اند. دیگر سوره‌های مدنی: بینه، محمد، نور، توبه، و نساء را هم اگر با کمی دقت از نظر بگذرانیم، می‌بینیم آیات نخستین آنها معرّف آن‌اند که آیات هر سوره از آیات سوره‌های دیگر جدا و مشخص بوده است.

۲-۴-۳. دو سوره از سوره‌های مدنی خیلی کوتاه‌اند: نصر و بینه.

۱۳ تا کوتاه هستند: تحریم، طلاق، تغابن، منافقون، جمعه، صف، ممتحنه، حشر، مجادله، حدید، حجرات، فتح، محمد. این ۹ سوره به استثنای دو سوره جمعه و مجادله از نظر موضوع یکپارچه هستند و اسلوب آیاتشان سوره‌ها را به صورت جدا جدا نشان می‌دهد، و معلوم می‌کند که هر یک از این سوره‌ها در یک مرحله نزول وحی نازل شده‌اند. همچنین، یکی از سوره‌های متوسط:

انفال، نیز از نظر موضوع یکپارچه است و فصول و آیات آن یکپارچه است و فصول و آیات آن نشان می‌دهد که در یک مرحله نزول وحی نازل شده است.

۳-۴-۳. سوره‌های مدنی که دارای موضوعات متعدد و فصول

گوناگون و گاهی کم ارتباط به یکدیگرند، ۹ تا هستند: ۲ تا کوتاه: جمعه، و مجادله؛ ۲ تا متوسط: أحزاب و نور و ۵ تا طولانی: توبه، مائده، نساء، آل عمران و بقره.

موضوعات و فصول این سوره‌ها بعکس سوره‌های دیگر نشان می‌دهند که یکپارچه نازل نشده‌اند و فصل به فصل نیز به دنبال هم نازل نشده‌اند و بین فصول هر سوره احتمالاً قسمتی از سوره‌های دیگر نازل شده‌اند، اما در عین حال از وضع نظم و ترتیب آیاتشان این موضوع مشهود است که این سوره‌ها به تدریج و زیر نظر پیغمبر اکرم کامل شده‌اند.

نویسنده می‌خواهد بگوید اصولاً صحبت‌هایی که در مورد ترتیب آیات در سوره‌های قرآن به میان آمده است، نخستین بار از همین سوره‌ها شروع شده است، زیرا سوره‌های مکی و بیشتر سوره‌های مدنی چنانکه دیدیم چه از نظر یکپارچگی مطلب و چه از نظر اسلوب آیات و ارتباط کامل آیاتشان جایی برای این پرسش که کدام آیه اش کجای سوره قرار بگیرد باقی نمی‌گذاشتند. بنابراین، باید پذیرفت که ترتیب آیات و فصول این سوره‌ها نیز مانند

دیگر آیات و سوره‌های قرآن در زمان پیغمبر و به دستور آن حضرت انجام گرفته است و روایتی که از زید بن ثابت انصاری درباره تألیف اوراق قرآن در زمان پیغمبر نقل شده است (۱-۳-۱) و روایاتی که از قبیل روایت منقول از عثمان (۱-۳-۲) می‌گویند پیغمبر اسلام وقتی قسمتی از آیات سوره‌های ذاتُ العدد و طولانی بر آن حضرت نازل می‌شده پس از آنکه آنها را برای کاتبان وحی املا می‌فرمود و می‌نوشتند جای آن آیات را نیز در سوره‌ها معین می‌فرمود؛ این روایات، بخصوص در مورد این هفت سوره طولانی مدنی صدق می‌کند.

مترجم: بنابراین، نباید انتظار داشته باشیم که روایات بسیاری در مورد تعیین جای آیات همه سوره‌های قرآن از پیغمبر اکرم نقل شده باشد. اگر آیات این سوره‌ها را از نظر بگذرانیم خواهیم دید که در هریک از این سوره‌ها یک سلسله موضوعات مرتبط با یکدیگر دسته بندی شده‌اند. این مطلب را نویسنده به تفصیل در کتاب تفسیر بررسی کرده است:

در سوره بقره یک سلسله سؤال و جواب در پیرامون احکام دینی، در سوره نساء مجموعه‌ای از احکام مربوط به خانواده، در سوره مائده یک سلسله مطالب را جع به اهل کتاب، در دو سوره آل عمران و توبه فصولی راجع به جهاد و موضع‌گیری‌های مشرکان و منافقان، در سوره نور یک سلسله

فصول تأدیبی و تعلیمی و ارشادی و مطالبی مربوط به مشکلات خانواده. در سوره احزاب دو سلسله متفاوت از موضوعات می‌یابیم: یکی راجع به مقابله با منافقان و کفار و موضع گیریهای گوناگونشان و دیگری راجع به تربیت و تأدیب و ازدواج و مسائل مرتبط با آن.

در این سوره‌ها بسیاری از آیاتی که از نظر ترتیب جلوتر گذاشته شده‌اند بعد از آیات دیگری نازل شده‌اند که در ترتیب قرآن بعد از آنها قرار دارند. نمونه‌های این آیات را در کتاب تفسیر کاملاً به دست داده‌ایم و در این جا به ذکر یک نمونه می‌پردازیم:

آیه ۲۵ سوره نساء که می‌گوید: کنیزان ازدواج کرده اگر زنا کنند حدشان نصف حدی است که بر زنان آزاده اجرا می‌شود و از نظر تناسب مطلب در این سوره قرار گرفته است، قطعاً پس از آیه ۲ سوره نور نازل شده است که حدّ زناکاران را به طور مطلق و عام بیان می‌کند.

در سوره نساء آیه آخر آن هم به طرز خاصی جلب توجه می‌کند: آیه آخر این سوره در باره ارث است. از یک طرف می‌بینیم این آیه به آخر سوره‌ای اضافه شده است که فصول مربوط به ارث در آن آمده است و از طرف دیگر می‌بینیم به جای این که در جای مناسبتری در وسط سوره قرار بگیرد به آخر سوره اضافه شده است. با توجه به این دو نکته معلوم می‌شود وقتی این آیه

نازل شده است سورهٔ نساء به طور کامل به دستور پیغمبر تدوین شده بوده است و آن حضرت ترتیب سوره را بهم نزدیک و آیه را به آخر آن افزوده است و اگر جز این بود یا آیات این سوره در زمان پیغمبر و به فرمان خدا مرتب نشده بود، تحت هر شرایطی می‌خواستند این سوره را مرتب کنند این آیه را باید در جای دیگری که به ظاهر مناسب‌تر است می‌گذاشتند.

آیهٔ ۴۹ سورهٔ احزاب را بخوانید. حکم زنی را بیان می‌کند که شوهر بدون این که با او تماسی پیدا کند او را طلاق می‌دهد.

آیات مربوط به طلاق و موضوعات مربوط به آن در سورهٔ بقره از آیه ۲۳۵ تا ۲۴۱ آمده است و در آنجا حکم مهریهٔ چنین زنی بیان شده است. مگر نه این است که وقتی این آیه نازل شده است سورهٔ بقره کاملاً تدوین شده بوده و به دستور پیغمبر در سورهٔ احزاب گذاشته شده است؟ و گرنه هر طور حساب کنیم این آیه باید در سورهٔ بقره گذاشته می‌شد و دلیلی نداشت که در سورهٔ احزاب بین آیاتی قرار بگیرد که اصلاً با آنها ارتباطی ندارد. بنابراین اگر قرآن در زمان ابوبکر جمع و تدوین شده بود حتماً این آیه در سورهٔ احزاب نبود.

۴-۳-۴. بعضی می‌خواهند وجود آیات مدنی را در سوره‌های مکی

دلیل بگیرند بر این که سوره‌های مکی در زمان خود پیغمبر و در مکه مرتب نشده بوده‌اند. اولاً، به فرض این که همه روایاتی را که راجع به مدنی بودن

آیاتی در سوره‌های مکی رسیده است بپذیریم، تعداد این آیات، زیاد نیست. در قرآنی که توسط عبدالحمید احمد حنفی به چاپ رسیده و مورد تأکید کمیته سلطنتی ملک فؤاد قرار گرفته است؛ بر اساس همین روایات، ۱۴۷ آیه مدنی را در ۳۴ سوره مکی آمار داده است. نسبت این آیات به مجموع آیات مدنی که چهار هزار و چند آیه‌اند، روشن می‌سازد که تعداد این گونه آیات آنقدر زیاد نیست که اصل تدوین قرآن را در زمان پیغمبر نفی کند. کافیت پیغمبر اکرم در هنگام نزول هر یک از این آیات اشاره فرموده باشد که آن را از نظر سیاق و موضوع، در جای مناسب آن در یکی از سوره‌های مکی قرار دهند. به علاوه، قرار گرفتن این آیات مدنی در جاهای مناسبی از سوره‌های مکی، خود گواه و تأییدی هستند بر این که قبل از نزول این آیات آن سوره‌های مکی کاملاً مرتب و منظم بوده‌اند، به خصوص که در چند مورد می‌بینیم آیه مدنی در آخر یک سوره مکی که با آن تناسب موضوعی داشته است، اضافه شده است.

از سوی دیگر، تناسب کاملی که میان این آیات و سوره‌ای که در آن قرار گرفته‌اند وجود دارد، معلوم می‌کند که این کار با نظارت پیغمبر اکرم انجام شده است:

- آیه آخر سوره مزمل به مناسبت آن که تخفیف حکم نماز شب و شب زنده داری را به دلیل گرفتاری‌ها و وظایف سنگین از جمله جهاد که در مدینه بر عهده مسلمانان بود، بیان می‌کند، به آخر این سوره که

اصل حکم نماز شب و شب زنده داری در آن آمده است، اضافه شده است.

● آیه آخر سوره شعرا پس از آیه‌ای قرار گرفته است که به طور مطلق شعرای زمان پیامبر را نکوهش می‌کند، و شاعرانی را که در خدمت پیغمبر اسلام قرار گرفتند و با شعرای مشرکین مقابله کردند و با اشعارشان از پیغمبر و مسلمانان حمایت کردند استثنا می‌کند.

● آیات ۱۵۴ تا ۱۷۱ سوره أعراف هم که بیان مخالفت یهودیان با فرمان خدا و تجاوز آنان در روز شنبه و غضب خداوند بر آنان است، به مناسبت این که مربوط به بنی اسرائیل بوده‌اند در ردیف آیات دیگر سوره أعراف قرار گرفته‌اند، و در عین حال نشانه مدنی بودن خود را هم در آغاز آیات حفظ کرده‌اند که خداوند به پیغمبر اسلام می‌فرماید: این یهودیان را به یاد ماجرای که برای پدرانشان رخ داد بینداز.

پیداست که رعایت این همه تناسب و دقت، حتماً در پرتو رهنمودهای حضرت رسول اکرم بوده است.

اما درباره آیات مکی که در سوره‌های مدنی قرار دارند، تعداد روایات بیسار کم است. در قرآن چاپ مصر که اخیراً از آن یاد کردیم این آیات را چنین بر می‌شمرد: ۷ آیه در سوره انفال (۳۰ تا ۳۶)، ۲ آیه آخر سوره توبه، و آیه ۱۳ سوره قتل (محمّد).

این روایات را اولاً با توجه به مضمون آیات و سیاق آیات قبل و بعد آنها کاملاً نمی‌توانیم بپذیریم و ثانیاً به فرض این که این روایات صحیح باشند و آیات یاد شده در مکه نازل شده باشند و در سوره‌های مدنی جای گرفته باشند، دلیل بر چیزی نمی‌تواند باشد جز همان نتیجه گیری صحیحی که ما از این گونه روایات داشتیم و تأکید می‌کند که سوره‌ها و آیات قرآن با نظارت پیغمبر مرتب می‌شده است و جای گرفتن این آیات در این سوره‌ها نیز با نظر آن حضرت بوده است.

مترجم: علامه طباطبایی نیز در المیزان غالباً با دلایل محکمی یکپارچه بودن این سوره‌ها و نادرستی روایات مربوط به نزول جداگانه یک یا چند آیه از آنها را به اثبات می‌رسانند.

به هر حال از همه این‌ها گذشته، چگونه می‌توان تصور کرد که صحابه پس از رحلت پیغمبر اکرم در ترتیب آیات قرآن دخالت کرده باشند و فقط چند آیه را از سوره‌های مکی برداشته و در سوره‌های مدنی گذاشته باشند یا بعکس؟!

روایاتی هم که راجع به آخرین آیه نازل شده از قرآن - آیه دین یا ربا - به دست ما رسیده‌اند، به فرض اعتبار و صحت آنها، دلالت بر همین موضوع دارند که پیغمبر اسلام به هنگام نزول هر یک از این آیات - همانگونه که

درباره آیه آخر سوره نساء دیدیم - به کاتبان وحی دستور می فرموده است که آن را در همان جایی که امروز هم قرار دارد بگذارند.

وقتی می بینیم در سوره آل عمران آیاتی هست که از نظر معنی نزدیک به آیاتی در سوره بقره است، جز این نمی توانیم بپذیریم که این ترتیب آیات از جانب پیغمبر است، زیرا اگر دیگری متصدی جمع قرآن شده بود، قطعاً این آیات را در یک سوره کنار هم قرار می داد.

۵-۳. دسته پنجم: شواهد قرآنی مبنی بر نظم و ترتیب سور در زمان رسول اکرم

در رابطه با ترتیب سوره‌ها و دنبال هم قرار گرفتن آنها نیز شواهدی در قرآن داریم بر این که این نظم و ترتیب از همان زمان رسول اکرم است:

۱-۵-۳. سوره توبه با «بسم الله» از سوره انفال جدا نشده است و بعد از سوره انفال قرار گرفته است؛ با این که این سوره نه در ردیف سوره‌های طوال به حساب می آید و نه در ردیف سوره‌های مئین. از طرف دیگر این دو سوره وقتی با هم یکی در نظر گرفته شوند یک سوره طولانی خواهند بود و با شش سوره طولانی قبلی می توانند «سبع طوال» را تشکیل بدهند. وقتی در مضامین سوره انفال دقت می کنیم در می یابیم که این سوره در سالهای نخستین اقامت پیغمبر در مدینه نازل شده است و سوره توبه جزء

آخرین سوره‌ها و آیاتی است که بر پیغمبر اکرم نازل شده است. حال، آمدن این دو سوره به دنبال یکدیگر از یک طرف و نیامدن بسم الله در میان آن دو از طرف دیگر، معلوم می‌کند که این ترتیب باید از جانب پیغمبر اسلام باشد زیرا اگر مربوط به بعد از رحلت آن حضرت بود قاعداً باید سوره انفال را در ردیف سوره‌های مثانی قرار می‌دادند. همچنین سوره‌های نور و احزاب که مدنی هستند در ردیف سوره‌های مکی هم اندازه خود قرار گرفته‌اند.

۲-۵-۳. وقتی به طور سطحی سوره‌های بقره، آل عمران و دیگر

سوره‌ها را از نظر می‌گذرانیم به نظر می‌آید که سوره‌ها به ترتیب بلندی و کوتاهی و بر حسب اندازه دقیقشان مرتب شده‌اند. در صورتی که با دقت بیشتری در می‌یابیم که برخی موارد استثنا هم از این نظر وجود دارد، و همین موارد دلیل بر آن‌اند که این ترتیب به دست یک فرد انسان عادی صورت نگرفته است تا دقیقاً ملاک کوتاه و بلندی را برای ترتیب سوره‌ها در نظر بگیرد:

- سوره مائده تعداد آیاتش از سوره انعام و اعراف بیشتر و اندازه‌اش طولانی‌تر است و حتی از خود سوره توبه به تنهایی هم طولانی‌تر است ولی پیش از آنها قرار گرفته است.
- سوره شعرا از نظر تعداد آیه نسبت به سوره بقره در درجه دوم قرار می‌گیرد و بعد از سوره بقره تعداد آیاتش از دیگر سوره‌های طوال و مئین زیادتر است، با وجود این ۳۱ سوره را پشت سر گذاشته است

که همه آنها از نظر تعداد آیات و بعضی از آنها از نظر اندازه هم از آن کمتر و کوتاهتر هستند.

● سوره صافات که در مرتبه سی و هفتم و در ثلث آخر قرآن قرار دارد، تعداد آیاتش از سوره‌های نساء و مائده و انعام که در اوائل قرآن جای دارند، زیادتر است.

● سوره انعام از همه سوره‌های قرآن بجز بقره و شعرا و اعراف و نساء تعداد آیاتش زیادتر است.

● سوره‌های رعد و ابراهیم و حجر اندازه شان کوتاهتر و تعداد آیاتشان از سوره‌های نحل و بنی اسرائیل و کهف و مریم و طاهها کمتر است ولی پیش از آنها قرار گرفته‌اند.

● سوره احزاب اندازه و تعداد آیاتش از سوره‌های روم و لقمان و سجده بیشتر است ولی بعد از آنها قرار دارد.

● سوره اعراف هم از نظر اندازه و هم از جهت تعداد آیات از سوره‌های انعام و مائده بزرگتر است.

● سوره قصص از سوره‌های حج و نور و فرقان از نظر اندازه و تعداد آیات و از سوره نمل از نظر اندازه بزرگتر است ولی بعد از این سوره‌ها قرار گرفته است.

● سوره مؤمن از نظر اندازه و تعداد آیات از سوره‌های زمر و یاسین و

ملائکه و سبا بزرگتر است ولی بعد از آنها قرار گرفته است. از نظر اندازه از سورهٔ صاد هم که پیش از آن قرار دارد بزرگتر است.

از این نمونه فراوان در ترتیب سوره‌ها دیده می‌شود و به عقیدهٔ نگارنده وجود این قرائن دلیل بر آن است که مبنای ترتیب سوره‌ها یک مبنای عادی بشری نبوده است و ترتیبی است برخاسته از حکمت الهی و وحی پروردگار و نظارت پیغمبر اکرم که آورندهٔ قرآن است، و به همین دلیل، پس از رحلت آن حضرت هیچ یک از صحابه در صدد تغییر و تبدیل این ترتیب بر نیامده‌اند.

اگر غیر از این بود هر یک از صحابه یا گروهی از مسلمانان که می‌خواستند سوره‌های قرآن را مرتب کنند قاعدتاً باید یا ترتیب نزول سوره‌ها را در نظر می‌گرفتند که غیر از ترتیب قرآن است و یا اندازه دقیق سوره‌ها یا تعداد دقیق آیه‌های هر سوره را ملاک ترتیب قرار می‌دادند و به هر ترتیب هرگز به این صورت که هست در نمی‌آمد.

خاتمه

(نتایج بحث)

در خود قرآن آیات متعددی دلالت دارند بر این که قرآن در زمان پیغمبر به طور منظم نوشته و تدوین می‌شده و حافظان آن را حفظ می‌کرده‌اند و آیات هر سوره مرتب می‌شده و ترتیب سوره‌ها زیر نظر خود پیامبر اکرم انجام می‌گرفته است. در فصل دلایل و شواهد قرآنی این آیات به چهار دسته تقسیم می‌شدند.

بررسی‌هایی که کردیم، به منظور توضیح روایات و احادیث و اقوال مربوط به ترتیب آیات و سوره‌های قرآن بود، وگرنه این موضوع که ترتیب آیات هر سوره و ترتیب دنبال هم قرار گرفتن سوره‌های قرآن همه مربوط به زمان پیغمبر است و به دستور آن حضرت انجام پذیرفته است، خود به خود موضوعی ثابت و مسلم، و قرائن و شواهد قرآنی فراوان گواه آن است.

اوضاع و احوال زمان پیغمبر و صدر اسلام هم خود به خود گواه و مؤید این مطلب است. از همه جالبتر این که در هیچ یک از روایات و احادیثی که راجع به نگارش و تدوین مصحف در زمان ابوبکر و نسخه برداری قرآن در زمان عثمان از صحابه پیغمبر نقل شده سخنی از این به میان نیامده است که منظور خلفا مرتب کردن آیات و سوره‌های قرآن بوده یا اصولاً در چنین زمینه‌ای کوچکترین دخالتی کرده باشند.

این خود دلیل قاطعی است بر این که کار تدوین و ترتیب و تنظیم آیات و سوره‌های قرآن در زمان پیغمبر اکرم کاملاً انجام شده بوده است و مصحف عثمان چیزی جز نسخه مطابق اصل از روی مصحف ابوبکر نبوده و مصحف ابوبکر هم چیزی جز نسخه‌ای صحیح و مطابق با قرآن‌های تدوین شده در زمان پیغمبر نبوده است.

باز هم تأکید کنیم که این بررسی‌ها به منظور تحقیق علمی و تاریخی در مورد نزول قرآن است و منافاتی ندارد با این که اصل موضوع یعنی اصالت و اعتبار و تواتر قرآن هیچگاه مورد تردید یا گفتگو نبوده است. مسلمانان از اهل هر فرقه و مذهب و مرام که بوده‌اند در تنها چیزی که اشتراک عقیده و نظر داشته‌اند، همین اصالت قرآن بوده است. شاهدان عینی نزول قرآن بر پیغمبر و نیز پس از وفات صحابه، گواهان تواتر و نقل قرآن از این سینه به آن

سینه و از این نوشته به آن نوشته آنقدر زیاد بوده‌اند که احتمال کوچکترین کم و زیاد و در هم ریختگی در مورد متن قرآن وجود ندارد.

روایاتی را هم که ممکن است در این مورد ایجاد تردید کنند، اگر با دقت از نظر بگذرانیم می‌بینیم حداکثر در رابطه با یک درصد آیات قرآن هم نیستند و اشاراتی که در این روایات در مورد حدود ۶۲ آیه از ۶۲۳۶ آیه قرآن آمده است، به هیچ وجه نمی‌تواند اعتبار قرآن را بکاهد. قرآن هفتاد و هفت هزار کلمه‌ای باکی ندارد از این که در روایتی راجع به یک یا دو یا هفت کلمه اش تشکیک کنند. و کتابی که حروف آن به دقت شمرده شده و سیصد هزار حرف را شامل می‌شود از حدود سی حرف اختلافی که این احادیث به آنها اشاره می‌کنند، ارزش و اعتبارش کاسته نمی‌شود.

قرآن همیشه و همچنان اعجاز جاویدان پیغمبر اکرم بوده و هست و خواهد بود. قرآن صافترین سرچشمه احکام و عقاید و تشریحات و الهامات و فیوضات و توجیه و تلقین‌های سازنده است. حق است و هدایت است و صدق است و رشد. مبنای همه علوم و معارف، شفای دل دردمندان، و درمان جان بیماران و راه حل تمامی مشکلات دینی و معنوی و اخلاقی همه مردم در قرآن است. خداوند قرآن را بر قلب پیغمبر گرامی‌اش نازل فرمود و پیامبر اسلام آن را در میان مسلمانان به جای گذاشت و رحلت فرمود، و مسلمانان

اگر بخواهند هرگز گمراه نگردند، باید از قرآن پیروی کنند و به آن تمسک جویند:

(يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).^۱

قرآن همیشه در حفظ خداوند قرار داشته و از هر جهت محفوظ بوده است و هیچ تبدیل و تغییر و تحریف و زیاد و کمی در آن راه نیافته است. از آغاز با یک رسم الخط واحد و یک متن و ترتیب واحد در مشرق و مغرب جهان شناخته شده است و همچنان تابش نور و معنویتش را همراه با همان کلمات و حروف و اسلوب و ترتیب زمان پیغمبر حفظ کرده است.

همه مطالبش بی کم و کاست در آن ثبت و ضبط است: بگو مگوها، کشمکش ها، تهمت ها، تکذیب ها، مسخره کردن ها، آزار ها، افتراها، ساحر و شاعر و کاهن نامیدن ها، تهمت به شاگردی و سوادآموزی پیغمبر از سوی این و آن، و مجادله های پیغمبر با گروه های مختلف مردم، همه و همه در قرآن محفوظ است.

در قرآن بارها بر بشر بودن پیغمبر اسلام تأکید شده است و سیر تحول و تکامل قانونگذاری در اسلام و مواضع مختلف پیغمبر و مسلمانان

۱. سوره مائده، آیه ۱۶

در برابر دیگران همه در قرآن معلوم و مشخص است و از این نظر قرآن در میان کتابهای آسمانی دیگر ممتاز است. قرآن از همان آغاز، مرجع حل اختلافات و داور کشمکش های عقیدتی و مذهبی مسلمانان بوده است و همه استدلالات و مجادلاتشان برای اثبات مرام و افکارشان به قرآن ختم می شده است و عملاً فرقه ها و مذاهب گوناگون و متعدد مسلمانان همه قرآن را به عنوان رمز وحدت و یگانه مظهر اسلام و دین خدا نگاه داشته اند و صدق وعده خداوند آشکار گردیده که فرموده است: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ).^۱

در صدر اسلام، آن همه فتنه ها و اختلافات و پراکندگی ها و جنگهای مسلکی و جرأت یافتن مردم و آزادی عمل در دروغ بستن به خدا و رسول و جعل احادیث و روایاتی که گروهی را تأیید کند و مخالفان آن گروه را محکوم گرداند، یا این نظریه را اثبات و آن نظریه را رد کند و طرف مقابل نیز از همین حربه استفاده کند و وارد میدان بشود. آن همه روایات که جعل کردند بلکه بتوانند مفهوم و معنی یک یا چند آیه قرآن را از مسیر اصلی آن خارج سازند، و آن همه زورآزمایی ها و نبردهای مذهبی و فرقه ای که بر سر آیات قرآن درگرفت و آن همه احادیث جعلی و دروغین که پیدا شد، همه این ها از یک

۱. سوره حجر، آیه ۹

طرف، و از طرف دیگر، نبودن چاپ و مشکل بودن تکثیر قرآن، نتوانسته است کوچکترین تردیدی در مورد قرآن به وجود آورد و به اصالت آن لطمه‌ای بزند. مگر محال و غیر ممکن بوده است آن کسانی که در برابر پیغمبر آن جسارتها را به خرج می دادند، با قرآن هم دشمنی کنند و در آن تغییر بدهند و کلماتش را جابه‌جا کنند و زیاد و کم گردانند؟ مگر دستشان بسته بود که مصحف‌های گوناگون دیگری تهیه کنند و به نام قرآن منتشر کنند؟! چرا به خصوص آیاتی را که آن همه کوشیدند تا معنایش را بگردانند و با اعتقاداتشان منطبق گردانند، در خود آن آیات تغییری ندادند؟ و با آن که در آن روزگار، خط عربی هنوز آنچنان پیشرفت نکرده بود و اعراب و حتی نقطه هم نداشت و حروف مشابه مانند سین و شین می‌توانستند زمینه خوبی برای تغییر کلمات باشند چگونه متن قرآن از کوچکترین تغییری مصون و محفوظ مانده است؟ آیا بجز اعجاز چیز دیگری است؟

از آن طرف، زبان عربی فصیح به برکت قرآن محفوظ مانده و روز به روز وسعت و دقت و قدرت و قلمرو و عمق بیشتری پیدا کرده و امروزه زبان متحد ممالک عربی است، و ملت عرب تنها ملتی است که این امتیاز را از نظر زبان دارد، که پانزده قرن زبان و خط یگانه خود را حفظ کرده است. از این گذشته تاکنون چهارده قرن و قرن‌ها پس از این، زبان عربی زبان اسلام

و زبان عبادت مسلمانان در گوشه و کنار جهان بوده و خواهد بود و این امید وجود دارد که روزی زبان رسمی جهان اسلام گردد.

حتّی می‌توان گفت خود ملّت عرب موجودیت و بقایش را مدیون قرآن است. مگر ملّت‌های قوی‌تر از عرب در گیرودار و فراز و نشیب تاریخ از میان نرفته‌اند؟ از این پس نیز تا زمانی که ملت عرب بتواند آنطور که قرآن خواسته است امّت نمونه‌ای از عمل به قرآن باشد و مقام خود را در تبلیغ آثار اسلام و معارف قرآن حفظ کند، می‌تواند در سایه قرآن پایدار بماند.



**به لطف خدا مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن از سال
۱۳۹۴ تاکنون اقدام به برگزاری بالغ بر ۳۰۰ کارگاه آموزشی پژوهشی
(جمعاً حدود ۱۲۰۰ ساعت) به شرح زیر نموده است:**

۱. ۲۰ کارگاه آموزشی پژوهشی چهارساعته مطالعات قرآنی در سیره نبوی در قرآن کریم
 ۲. سه کارگاه آموزشی پژوهشی چهارساعته آموزش زبان قرآن (دوره جدید)
 ۳. ۶۵ کارگاه چهارساعته آموزشی پژوهشی روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم (دوره جدید)
 ۴. ۲۰ کارگاه چهارساعته سوره‌شناسی (دوره جدید)
 ۵. ۸۲ کارگاه آموزشی پژوهشی چهارساعته تفسیر سوره‌شناختی آیات (دوره جدید)
 ۶. ۲۱ کارگاه آموزشی پژوهشی چهارساعته قصص قرآن.
 ۷. ۶۶ کارگاه آموزشی پژوهشی چهارساعته تفسیر ترتیبی قرآن کریم
 ۸. هشت کارگاه آموزشی پژوهشی چهارساعته علوم قرآنی
 ۹. شش کارگاه آموزشی پژوهشی زبان قرآن در نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه
 ۱۰. ۲۰ سمینار علمی فرهنگی دوساعته عاشوراشناسی
 ۱۱. ۲۰ سمینار علمی فرهنگی دوساعته پرسمان عاشورا
 ۱۲. سمینارهای علمی فرهنگی دوساعته مطالعات قرآنی در سیره حسینی
- علاقه‌مندان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص کارگاه‌های درحال برگزاری و کارگاه‌های برگزار شده به سایت quranlsn.ir و درحال برگزاری و کارگاه‌های برگزار شده به سایت quran17.ir مراجعه کنند و یا از طریق کانال به آدرس [@quranlsn](https://www.instagram.com/quranlsn) در شبکه‌های اجتماعی اقدام نمایند.

تهران، خیابان آزادی، خیابان خوش شمالی، کوچه شهید عباس زارع، پلاک ۱۸

ارتباط با ما: ۰۹۹۱۱۱۴۴۰۷۰